

در گفت‌وگو با نمایندگان مجلس، کارشناسان و فعالین اقتصادی مناطق آزاد مطرح شد:

نابودی مطلق؛ هدف نهایی در جنگ پنهانی

دولت سیزدهم با مناطق آزاد

صفحه ۵ از ۵

حذف معافیت‌های مالیاتی

افزایش مناطق آزاد

نقض قانون مناطق آزاد

انتقال قدرت به وزارت اقتصاد

باد دولت سیزدهم در مناطق آزاد

بی‌ثباتی مدیریتی

برنامه هفتم توسعه

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش اظهار داشت:

مشارکت جمعی و ارائه راهکارهای موثر جهت تحول در حوزه گردشگری کیش



مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم تاکید کرد:

توسعه سرمایه‌های انسانی، یکی از نیازهای آموزش و پرورش جزیره قشم

هفته‌نامه اقتصادی، اجتماعی

اخبار آزاد
مناطق

شماره ۲۳۸ - دوشنبه
۲۲ مرداد ماه ۱۴۰۲
سال پنجم
۱۵۰۰۰ تومان

سرمقاله



مرضیه حسینی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول

تاملی بر یک تفویض غیرقانونی!

در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ سیداحسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت سیزدهم، در راستای تکمیل آخرین تکه از پازل ماده ۲۳ قانون برنامه ششم توسعه؛ درخواست دریافت اختیارات ریاست جمهوری در ارتباط با مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را می‌نماید و ظرف کمتر از یک هفته، رئیس دفتر رئیس‌جمهور، موافقت ابراهیم رئیسی با درخواست وزیر اقتصاد را اعلام می‌نماید. یعنی از بهمن‌ماه سال گذشته، وزیر اقتصاد با داشتن اختیارات ریاست جمهوری، ازجمله تعیین اعضای هیات مدیره و مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، همه‌کاره در حوزه مناطق آزاد است و قاعدتا ما می‌توانیم در مورد تمامی اتفاقات خوب یا بد در این حیطه، یک پای موضوع را به خاندوزی وصل نماییم. اما آیا از بهمن‌ماه سال گذشته تا به امروز، اتفاق مثبتی در جهت ایجاد اعتماد و امیدواری به آینده مناطق آزاد افتاده است؟!

مهم‌ترین بخش مبحث تفویض اختیارات ریاست جمهوری، درخصوص تعیین و انتصاب اعضای هیات مدیره و مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است. فلذا باید ببینیم در رابطه با اصلاح ساختار مدیریت عالی مناطق آزاد؛ آیا در سایه اختیارات کامل آقای وزیر، تحول مطلوبی روی داده است یا خیر؟!

اگر در ذهن‌تان اوضاع مدیریت در سازمان‌های مناطق آزاد را به صورت خلاصه مرور کنید، اولین کلمه و جمله‌ای که احتمالا به مغزتان خطور می‌کند، این است: «وضع چقدر بد است!»؛ به‌واقع چرا در نگاه اول به این نتیجه می‌رسید؟

ما به طور خلاصه به شما می‌گوییم؛ البته این گزاره‌ها، دلایل ما می‌باشد؛ شاید شما دلایل بیشتر و محکم‌تری بیان نمایید.

اولاً؛ اکثر سازمان‌های مناطق آزاد با حداقل ترکیب اعضای هیات مدیره اداره می‌شوند؛ این موضوع بدین معنا است که مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد نه به‌دنبال یک همکار، هم‌وزن و مسلط در کنار خود، بلکه در پی ماشین امضاء هستند؛ یعنی، کسب عنوان پرطمطراق عضو هیات مدیره در مقابل سکوت و چشم‌پوشی درخصوص همه ناسامانی‌های مدیریتی جاری در مناطق آزاد. بنابراین مدیران عامل منتخب و موجود، اصلا علاقه‌ای به هم‌افزایی ظرفیت‌های بزرگ در جهت اعمال مدیریت کارآمد را ندارند. همچنین در کنار این معضل درون‌سیستمی، کمیود اعضای هیات مدیره و عدم انتصاب آنها، نشان‌دهنده این است که مسئولین ارشد حوزه مناطق آزاد در تعیین افراد، دچار اختلاف شدید درونی هستند.

دوماً؛ علاوه‌بر نقص موجود در ترکیب اعضای هیات مدیره سازمان‌های مناطق آزاد؛ برخی از سازمان‌ها، چندین ماه توسط سرپرست اداره شده و می‌شوند. اما طبق قانون، فرد سرپرست نمی‌تواند بیش از ۳ ماه در مسئولیت خویش باقی بماند؛ چراکه پس از طی این مدت کوتاه، یا می‌بایست حکم قطعی بگیرد و یا توسط مقام بالاتر جایگزین گردد. اتفاقا در برخی از همین مناطقی که با سرپرست روزگار می‌گذرانند، آقای سرپرست با داشتن حداقل اختیارات؛ حداکثر تغییرات را در سطوح مختلف سازمان متبوع خود، بدون توجه به قرابت و تناسب تجربی و تخصصی، بین منصوب با منصب، اعمال کرده است.

سوماً؛ برخی از سازمان‌های مناطق آزاد دارای مدیران عاملی هستند که نه تنها اعضای هیات مدیره را نمی‌بینند، بلکه در یک ادعای بزرگ و متکبرانه، حضورشان در مقام مدیرعاملی سازمان تحت‌امر را، از بالا به پایین آمدن جایگاه و شان خود تعبیر می‌نمایند. با چنین نگاهی است که احتمالا برخی از مدیران عامل جایگاه معنوی خود را بسیار فراتر از جایگاه حقوقی تشخیص داده و با نشستن در صدر مجلس و قرار دادن دبیر شورایعالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در سمت چپ خود، فضای اداری مملکت را با کلاس درس یا هیات مذهبی اشتباه می‌گیرند. بی‌تردید این رفتار چیزی جز تمسخر و دهن‌کجی به قاعده و قانون اداری نیست. چهارماً؛ در اثر نبود یک راهبرد مشخص و بلندمدت در عرصه مدیریت سازمان‌های مناطق آزاد؛ می‌توانیم نتیجه بگیریم که هدف اصلی وزیر محترم اقتصاد از اخذ تفویض اختیارات ریاست جمهوری، برخلاف برداشت اولیه ما؛ نه تسلط بی‌چون و چرا بر مناطق آزاد بلکه برای رها کردن آنها در یک چرخه مدیریتی معیوب و خودتخریبی مژمن بوده است. یعنی وقتی کسی تمایلی برای به‌کارگیری اختیارات حداکثری خود –که نه صرفاً ماهه، بلکه سال‌ها جهت به‌دست آوردن آن برنامه‌ریزی کرده است- ندارد؛ بنابراین او می‌خواهد از همه جهات، تغییرات محتمل و مثبت را به حداقل برساند و یک سیستم را با رها کردن آن به حال خود و عدم‌رفع معایب آن، به‌صورت تدریجی به ورطه نابودی بکشاند. در این حالت که سیستم دچار خودتخریبی درونی است، می‌توان با حذف ورودی‌های محیطی مثبت، آن سیستم را به عدم‌تبادل، کاهش منابع، عدم کارایی، افت بازده و... گرفتار نمود. در این شرایط، هر سیستمی دچار فروپاشی می‌شود. در نتیجه، زمانی که مناطق آزاد نمی‌توانند با بهره‌گیری از مزیت‌های قانونی خود، ورودی‌های مثبت و مغذی، یعنی سرمایه‌گذاران را جذب کنند؛ هم‌زمان به جهت ضعف ذاتی تحمیل شده در سطح مدیریت عالی خود، دچار تحلیل قوای همه‌جانبه می‌شوند. در این حالت، اعضای درونی سیستم مناطق آزاد، یعنی فعالان اقتصادی، مردم، کارمندان و مدیران سطوح میانی سازمان، دچار اصطکاک و فرسایش می‌گردند.

این برخورد درون‌سیستمی، به‌طور قطع طی باز زمانی بسیار کوتاه، با استمرار ضعف در هرم مدیریت عالی و نبود خودترمیمی هوشمندانه، دچار فروپاشی فیزیکی و کارکردی خواهد شد.

این مسیری است که سیداحسان خاندوزی از سال ۱۳۹۴ برای مناطق آزاد طراحی کرده بود. وقتی مدیر هوشمند و مقتدری همچون مرحوم اکبر ترکان که قائل به تحول درون‌سیستمی و کنترل فشارهای بیرونی برای حمایت از سیستم بود، حذف می‌شود؛ باید هم شاهد روزگار کوتونی باشیم؛ روزگاری که رئیس و مرئوس آن، قاعده و قانون آن، حریم و حرمت آن شکسته شده و هر شخصی مشغول در عوالم خویش است. خودتخریبی و فروپاشی درونی در حوزه مناطق آزاد، ثمره نهایی اجرای ماده ۲۳ قانون برنامه ششم توسعه کشور، مصوبه هیات دولتی در جهت اجرایی‌سازی این ماده قانونی و تفویض اختیارات غیرقانونی رئیس‌جمهوری می‌باشد.

ضمن عرض تبریک به طراحان چنین برنامه هوشمندانه و درازمدت؛ اعضای حقیقی و حقوقی مناطق آزاد را به فکر بیشتر در باب شرایط موجود دعوت می‌نماییم.

نه راه بادیه رفتن، نی توقف باطل

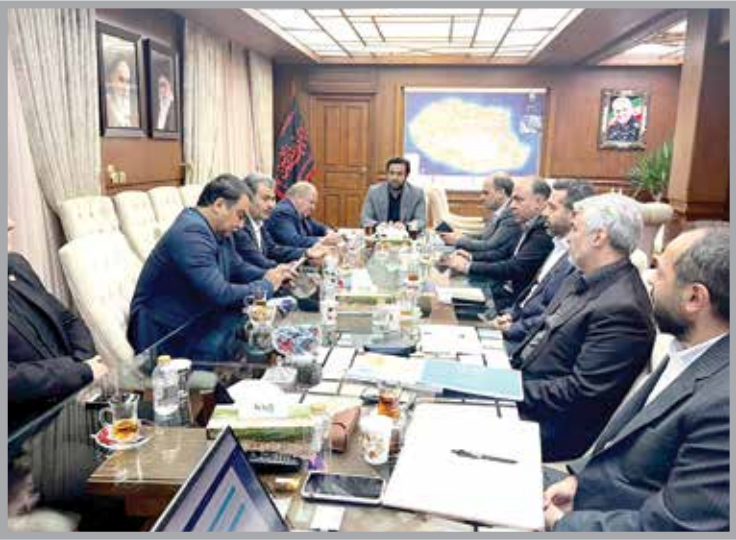
بیا مراد بجویم، به قدر وسع بگوئیم

در نخستین جلسه دبیرخانه توسعه پایدار کیش و هندورابی عنوان شد:

رونق اقتصادی و گردشگری در جهت توسعه پایدار کیش با تدوین «طرح مرجان»

ظرفیت‌های بخش خصوصی و سازمان منطقه آزاد کیش، نقش تاثیرگذاری در تسهیل و تسريع فرايند سرمايه‌گذاري و پيشرفت جزيره کيش خواهند داشت. بنا بر اين گزارش، ماموريت اصلي طرح مرجان، ايجاد چشم‌انداز مشترک، ريل‌گذاري مسير توسعه پایدار کيش و جذب حداکثري مشارکت ذی‌نفعان است؛ چشم‌اندازی که همه ذی‌نفعان با علاقه‌مندی بیشتر در مسير تحقق آن گام‌های موثري خواهند برداشت که با ايجاد کنسرسیوم‌های تخصصی و سرمايه‌گذاري، موجبات پيشرفت پایدار جزيره، خلق ارزش و توليد ثروت پایدار برای جزيره و رفاه بیشتر کيشوندان را به‌دنبال خواهد داشت.

گفتنی است، در گام نخست، ضمن فراهم کردن ظرفيت مشارکت و همکاري همه علاقه‌مندان؛ جلسات تخصصی هم‌اندیشی با موضوعات داراي اهميت در جزيره کيش برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند با ارائه ظرفيت‌های دانشي، فرهنگي و اقتصادي، در تدوين اين طرح نقش‌آفريني کنند و به‌زودي شيوه مشارکت و همکاري به اطلاع عموم خواهد رسيد.



مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش اظهار داشت:

مشارکت جمعی و ارائه راهکارهای موثر جهت تحول در حوزه گردشگری کیش

جذابیت‌های جدید و طرح‌های جایگزین همچون توره‌ای زمینی، خانوادگی، توره‌ای فرودگاه تا فرودگاه با ارائه خدمات ویژه را یکی از اقدامات تاثیرگذار در این صنعت برشمرده که باید مورد اهتمام ویژه قرار گیرد.

امام‌جمعه کیش با بیان این که تهدیدها را باید به فرصت تبدیل کرد، افزود: همین موضوع باعث شده راهکارهای دیگری نیز مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین، مهدی ادیبان در این نشست با تاکید بر این مهم که توراپراتورها محور و محرکه صنعت گردشگری هستند، اظهار داشت: برای تحول گردشگری باید در حوزه توراپراتورها انقلابی بزرگ رقم زد.

وی، بر اهمیت تدوام برگزاری چنین جلساتی اشاره کرد و بیان داشت: توراپراتورها با رویکرد تخصصی و حرفه‌ای باید در حوزه توره‌ای اختصاصی سالمندان و... توسعه و پیشرفت کنند و کیش می‌تواند پایلوتی برای این طرح‌ها باشد.

گفتنی است، افزایش پروازها، جذب گردشگران خارجی، پیش‌بینی توره‌ای زمینی، پیاده‌سازی توره‌ای خانوادگی، رونق‌بخشی کسب و کارها، تدوین شیوه‌نامه‌های جدید در این حوزه و تشکیل جامعه صنعت گردشگری ازجمله مباحث مطرح شده در این نشست بود که با تبادل نظر مورد بررسی قرار گرفت.

آنها به داخل کشور ممنوع است و با معرفی گسترده جاذبه‌های گردشگری کشورهای همسایه؛ شاهد خروج ارز از مملکت و آسیب‌زدن به بازارهای داخلی هستیم. سرهنگی اذعان نمود: چارترکنندگان با اختصاص سرمايه قابل‌توجهی در این صنعت، مشغول فعالیت هستند که با ممنوعیت فروش چارتری؛ از یک نقطه‌ای که به تعادل مشخصی رسیدند، شرایط حاضر را تحت‌تاثیر خود قرار داده است.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان با تاکید بر حذف واسطه‌ها در صنعت گردشگری کیش و ارتقاء سطح خدمات شایسته، خاطرنشان کرد: با محقق شدن این مهم، کيشوندان و گردشگران با نرخ مناسب می‌توانند خرید کنند و توراپراتورها و چارترکنندگانی که حلقه اصلی صنعت گردشگری هستند، به یک تعادل می‌رسند و با طرحی مدون، به طور حتم شاهد رونق گردشگری خواهیم بود.

در ادامه این نشست، امام‌جمعه کیش با تقدیر از مسئولان سازمان منطقه آزاد کیش و بخش خصوصی بابت اهتمام ویژه جهت رونق‌بخشی گردشگری این منطقه، بیان داشت: برگزاری این جلسات با محوریت همفکری و هم‌افزایی، در حل مشکلات موثر واقع خواهد شد.

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بی‌نیاز، ايجاد

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با بیان این که در شرایط متفاوت جزیره باید از طرح‌های جایگزین برای حفظ و ارتقاء سطح صنعت گردشگری برخوردار باشیم، اظهار کرد: اجرای طرح شغل و پیش‌بینی توراپراتورهای حرفه‌ای دیگر برای ارائه خدمات شایسته از ابتدای سفر تا انتهای سفر به مقصد جزیره کیش، یکی از اقدامات موثر برای رونق‌بخشی به حوزه گردشگری جزیره است.

به گفته وی؛ توراپراتورها، مجموعه‌های حرفه‌ای و خلاق هستند که می‌توانند به عنوان یک استارت‌آپ در حوزه صنعت گردشگری نقش‌آفرینی نمایند. سرهنگی ادامه داد: با نظارت فراگیر سازمان منطقه آزاد کیش بر عملکرد توراپراتورها، به طور حتم در راستای حل مشکلات موجود گام‌های موثری خواهیم برداشت؛ چراکه مهم‌ترین حلقه صنعت گردشگری؛ توراپراتورها هستند که با تخصص خاص این حوزه را مدیریت می‌کنند.

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد کیش افزود: علاوه‌بر گرمای تابستان، با کوچک شدن سید خرید مردم و کاهش سفرها که تاثیرپذیر از مسائل اقتصادی می‌باشد و از سوی دیگر معرفی گسترده جاذبه‌های گردشگری کشورهای همسایه سبب ترغیب مردم به این مقاصد گردشگری شده است. وی بیان داشت: با نرخ‌گذاری مطلوب اجناسی که واردات

نخستین جلسه دبیرخانه توسعه پایدار کیش و هندورابی با هدف تدوین «طرح مرجان» به عنوان برنامه‌ای جامع برای توسعه مشارکت‌های بخش خصوصی و سازمان منطقه آزاد کیش در مسیر توسعه پایدار جزیره برگزار شد.

این جلسه با حضور رحیم سرهنگی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، مهدی ادیبان سرپرست معاونت گردشگری و نمایندگان جوامع تخصصی، با بررسی موضوعاتی همچون «افزایش پروازها و ترغیب سفر گردشگران به جزیره کیش، رونق‌بخشی کسب و کارها، برگزاری رویدادهای سالانه، تبدیل جزیره به قطب صنایع خلاق و...» برگزار گردید.

براساس این گزارش، شرکت‌کنندگان در این نشست با ارائه تجربیات و دستاوردهای کسب شده، علاوه‌بر تایید پیشنهادات؛ ظرفیت‌های ارزشمند خود را برای تقویت و رفع موانع موجود در مسیر پیشرفت جزیره کیش به‌کار خواهند گرفت.

لازم به ذکر است، طرح مرجان، مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند و نوآورانه در راستای بهره‌وری از



رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره بر نظارت فراگیر بر شیوه فعالیت توراپراتورها که نقش مهم و ارزشمندی را در صنعت گردشگری این منطقه ایفا می‌کنند؛ بر مشارکت جمعی و ارائه راهکارهای موثر جهت برون‌رفت از شرایط موجود تاکید کرد.

در این نشست هم‌اندیشی که به ریاست رحیم سرهنگی با برخی از نمایندگان هتل‌ها و توراپراتورها در سالن اجتماعات سازمان منطقه آزاد کیش برگزار شد؛ ضمن اشاره اجمالی به پیگیری‌های صورت گرفته از وزارت فرهنگ، صنایع‌دستی و گردشگری و وزارت راه و شهرسازی درخصوص ممنوعیت فروش چارتری و همچنین به دلیل موقعیت خاص جزیره، در زمینه اهمیت طرح‌های جایگزین گفت‌وگو و تبادل نظر شد.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با تاکید بر نقش ارزشمند خبرنگاران در تصویرسازی تمام وقایع و رویدادهای جامعه؛ تلاشگران عرصه رسانه را، راویان حقیقت‌جوی جامعه معرفی کرد که در حوزه اطلاع‌رسانی نقش مهم و بی‌بدیلی را ایفا می‌کنند. رحیم سرهنگی در آیین گرامیداشت روز خبرنگار که به پاس زحمات و تلاش بی‌ادعای فعالان عرصه رسانه محلی برگزار شد؛ شغل مهم خبرنگاری در امیدآفرینی و آگاهی‌بخشی به عموم جامعه و تصویرسازی وقایع بدون قضاوت و رویکردهای شخصی را، حرفه‌ای ارزشمند و قابل‌تقدیر دانست. وی با تاکید بر صداقت نگارش، حساسیت و اهمیت شغل خبرنگاری در سطح جامعه، اظهار داشت: تهیه و انتشار خبر می‌تواند یک جامعه‌ای را به سمت ناامیدی و یا جامعه‌ای را به سمت امیدواری هدایت کند. وی، آگاهی‌بخشی صحیح به عموم مردم جامعه را یکی از وظایف اصلی و کار مقدس یک خبرنگار عنوان و بیان کرد؛ ضمن این‌که خبر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ راوی خبر نیز نقش مهمی را در به تحرک واداشتن یک جامعه برعهده دارد. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش بر رسالت خطیر خبرنگاری بر مبنای یک نگاه علمی در تهیه

اخبار منطقه آزاد کیش

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش تصریح کرد:

آمادگی پیش از بحران به‌جای آمادگی بحران در جزیره کیش



رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش گفت: امنیت جانی و مالی کيشوندان، اولويت اول و آخر سازمان منطقه آزاد کيش است و کارگاه آموزشی مدیریت بحران در همین راستا تشکیل شده است.

رحیم سرهنگی در جلسه ستاد بحران جزیره کیش و برگزاری کارگاه‌های آموزشی که با حضور محمدمحسن نامی معاون وزیر کشور و رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، دکتر حسام معاون هماهنگی، پیشگیری و کاهش خطرپذیری سازمان مدیریت بحران کشور، بهزاد پورمحمد معاون ژئوفیزیک دانشگاه تهران، مهرداد حسن‌زاده مدیرکل بحران استانداری هرمزگان و اعضا ستاد بحران کیش برگزار شد، گفت: «آمادگی پیش از بحران» را در قالب توجه به زیرساخت‌ها، ساخت و سازها و آموزش تمامی اقشار مختلف مردم و مسئولان شهری در هنگام بروز بحران پیگیری می‌کنیم و در این خصوص کيشوندان نگران نباشند.

وی با بیان این‌که ستاد بحران و مردم باید از لحاظ روانی «آمادگی پیش از بحران» را داشته باشند و تمام جوانب را در نظر بگیرند، افزود: درصدد هستیم یک مدل همه‌جانبه در مدیریت بحران را در جزیره کیش پیاده‌سازی کنیم و با مطالعه و تبدیل آن به دستورالعمل، به سراسر کشور تسری دهیم.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با بیان این‌که اتاق فکر مدیریت بحران با حضور مسئولان کشوری و متخصصان خبره در کیش تشکیل شده است، اظهار داشت: از آنجایی که در منطقه زلزله‌خیز واقع شده‌ایم و زمان و وقوع زلزله غیرقابل پیش‌بینی است، از این‌رو تمام تمهیدات لازم پیش‌بینی شده و وظایف مسئولان شهری مشخص شده است و وظایف اقشار مختلف مردم نیز در این مواقع آموزش داده خواهد شد.

سرهنگی با اشاره به زلزله‌های متوالی سال گذشته جزیره کیش و انجام مطالعات جامع در این زمینه برای پاسخگویی علمی به برخی از شایعات خلاف‌واقع، عنوان کرد: شناسایی ساختمان‌های استراتژیک آسیب‌پذیر جهت مقاوم‌سازی و یا جابه‌جایی آنها و نیز مشخص کردن ساختمان‌های فرسوده و قدیمی متعلق به بخش خصوصی و واگذاری تسهیلات تشویقی برای بازسازی آنها، از دیگر اقداماتی است که توسط معاونت عمرانی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد کیش انجام شده است.

وی با اشاره به برگزاری کارگاه‌های آموزشی مقابله با بحران با حضور متخصصان خبره در کیش، از تخصیص بودجه برای مقاوم‌سازی ساختمان‌های استراتژیک و یا جابه‌جایی آنها خبر داد و افزود: اعضا مجمع سازندگان کیش باید مخاطب اصلی کارگاه‌های آموزشی مدیریت بحران باشند تا از نزدیک ضمن آشنایی با مباحث علمی و مطالعات انجام شده، در رعایت استانداردهای ساخت و ساز و جلوگیری از بروز بحران، نقش‌آفرینی کنند.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان از ستاد مدیریت بحران کشور و دانشگاه تهران خواست تا با ارائه یک برنامه مدون برای جزیره کیش، آموزش‌های لازم درخصوص پیش از بحران و زمان وقوع آن را برای تمامی اقشار مختلف جامعه ازجمله سازندگان، مدیران شهری و کيشوندان برگزار نمایند.

الزام صاحبان شناورهای صیادی، تفریحی و خدماتی کیش به اخذ مجوز فعالیت



دارندگان شناورهای منطقه آزاد کیش، به ثبت درخواست مجوز فعالیت اقتصادی از طریق درگاه ملی مجوز های کشور ملزم شدند.

صاحبان شناورهای صیادی، تفریحی و خدماتی جزیره کیش، می‌بایست با مراجعه به سامانه Mojaveze.ir برای ثبت درخواست مجوز فعالیت اقتصادی خود در دسته‌بندی مربوطه اقدام نمایند. براساس این گزارش، پس از ثبت شناور در سامانه، دارندگان شناورها، باید تاییده ثبت سازمان بنادر و دریانوردی را در چارچوب ضوابط و مقررات دریافت و مدارک تایید شده را به سازمان منطقه آزاد کیش تسلیم کنند.

گفتنی است، دریافت سهمیه سوخت شناورها منوط به ارائه مدارک به سازمان منطقه آزاد کیش می‌باشد و در غیر این صورت سوخت به شناورها تعلق نخواهد گرفت.



رونق دوباره این منطقه برداشت. سرهنگی، ارائه خدمات درمانی و احداث درمانگاه توسط سازمان تامین اجتماعی، بازسازی و تکمیل مدارس کیش پیش از آغاز سال تحصیلی جدید و در نظر گرفتن شرایط ویژه معلمان را از دیگر موضوعات مهم روز جزیره کیش عنوان و تصریح کرد: بسیاری از پرونده‌هایی که نیاز به تعیین تکلیف داشت، در مدار قانون و با تصمیم‌گیری درست، حل و فصل شده است. رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان، از برگزاری به‌موقع حسابرسی مجامع کیش به سبب شفافیت عملکرد شرکت‌ها و سازمان شده است خبر داد و خاطرنشان کرد: مجامع سازمان منطقه آزاد کیش در حضور وزرا بررسی خواهد شد تا تاییدیه عملکرد گذشته را نیز اخذ کنیم.

سرهنگی با بیان این‌که عملکرد مثبت رسانه‌های فعال در جزیره کیش، صدای مردم این منطقه هستند، گفت: رسانه‌ها بخشی از وظایف و کارکردها مدنی جامعه را به نحو شایسته انجام می‌دهند.

وی در رابطه با اقتصاد ایران‌ها که براساس سرمايه‌گذاري و آورده‌ای که برای آنها دارد، عنوان کرد: دليل اين‌که سرمايه‌گذاري مجدد در اين حوزه نمی‌شود، سود کم این صنعت نسبت به صنعت دیگر، زمینه‌ساز کاهش سفر از سید مردم و با حداقل سفرهای کم‌هزینه جایگزین سفرهای پر هزینه شده است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش تاکید نمود: امروز حال و روز بازارها هم خوب نیست و اندیشیدن تدبیر لازم در این زمینه، مستلزم انسجام و همراهی همگانی است تا شاهد تحقیق رونق دوباره جزیره کیش باشیم. سرهنگی، ارائه نرخ خدمات باکیفیت در حوزه گردشگری کیش و رقابت‌پذیری با سرزمین اصلی را یکی از مولفه‌های مهم در این حوزه برشمرده که نیازمند ايجاد فضای تعاملی با رسانه‌های استانی و ملی است.

وی از بازگرداندن اختیارات سازمان و تدوین برنامه راهبردی مشترک با جامعه بازاریبان خبر داد و اظهار داشت: با مشارکت حداکثري و فارغ از تصمیمات دولتی و پایدار، می‌توان گام های موثری در زمینه

گزارش‌های میدانی اشاره کرد و افزود: شخصی که با اختیار داشتن ابزار رسانه‌ای در فضای مجازی مشغول فعالیت است، یک خبرنگار نیست؛ بلکه خبرنگاری، شغل حرفه‌ای و دارای شاخص‌های ارزیابی مشخصی است که باید به‌مدرتی ترسیم گردد تا فضای تعاملی و امیدبخشی را در جامعه شاهد باشیم. به گفته سرهنگی؛ خبرنگاری یک حرفه تخصصی بوده و با ادمین یک فضای مجازی متفاوت است که به صورت حرفه‌ای گزارشگری و تحلیل سازنده ارائه می‌دهد و در نتیجه رویکردهای خوبی را از منظرهای متفاوت به تصویر می‌کشد.

وی اذعان نمود: خبرنگاران حرفه‌ای، گفت‌وگوها و محتوای خبری را به صورت دقیق رصد و نسبت به تهیه گزارش میدانی صحیح و واقعی اقدام می‌نمایند و بسیار خرسندیم که در جمع خبرنگاران حرفه‌ای که بازوان کمکی سازمان منطقه آزاد کیش در حوزه حکمرانی محلی می‌باشند، هستیم.

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد کیش، حکمرانی محلی را تاثیرگذار بر مدیریت صحیح جزیره کیش، عنوان کرد و بیان داشت: سرمايه‌گذاران، کيشوندان، سازمان و رسانه‌ها، هر کدام به سهم خود در بخشی از مدیریت صحیح این منطقه مسئولیت دارند.

سرپرست معاونت توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد کیش اعلام کرد:

تجهیز و نوسازی مدارس جزیره کیش تا پیش از آغاز سال تحصیلی جدید

بهسازی کلاس‌ها و محیط‌های عمومی مدارس، رنگ‌آمیزی و نوسازی ابزارها و وسایل موردنیاز دانش‌آموزان و تجهیز سیستم‌های سرمایشی، نسبت به یک‌ماه گذشته پیشرفت چشمگیر و خوبی داشته است. وی با اشاره به نقش بارز سازمان منطقه آزاد کیش در تحقق این امر مهم، اذعان نمود: بودجه ویژه‌ای برای این موضوع اختصاص یافته و کارگروهی نیز با هدف بهبود وضعیت مدارس کیش تشکیل شده است. سرپرست معاونت توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد کیش در پایان با تاکید بر رویکرد عدالت آموزشی خاطرنشان کرد: مدارس الغدیر کیش نیز مشمول این طرح هستند و فضاهای آموزشی آنها مورد بهسازی قرار خواهد گرفت.

برنامه‌های کمک‌درسی و دوره‌های آموزشی، از دیگر برنامه‌هایی است که در ارتقاء سطح آموزشی جزیره کیش نقش مهمی را ایفا می‌کند.

سرپرست معاونت توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به بهسازی، نوسازی و بهبود شرایط فضای آموزشی مدارس جزیره به عنوان دومین بخش برنامه‌های در دست اقدام سازمان اظهار داشت: با حرکت جمعی و با تمرکز بر حوزه مدیریت پشتیبانی و همکاري تمامی بخش‌های سازمان منطقه آزاد کیش، حرکتی شکل گرفت تا در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، شرایط ویژه و متفاوتی در مدارس ايجاد گردد.

ادیبان با ابراز خرسندی از پیشرفت مطلوب بازسازی و نوسازی مدارس کیش بیان داشت:

سرپرست معاونت توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد کیش در بازدید از روند تجهیز و نوسازی مدارس کیش با اشاره به فرایند بهسازی ۳۳ مدرسه جزیره، اهتمام ویژه نسبت به مسائل آموزشی را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سازمان متبوع خود برشمرده و گفت: دانش‌آموزان کیش باید از شرایط باکیفیت آموزشی در مدارس برخوردار شوند.

مهدی ادیبان با اشاره به این‌که درخصوص حوزه آموزش دو برنامه در دستورکار سازمان منطقه آزاد کیش قرار گرفته است، عنوان کرد: توجه و تلاش برای ارتقاء کیفی آموزش در مدارس با دعوت از مجرب‌ترین اساتید و معلمان از نقاط مختلف کشور، یکی از برنامه‌های در نظر گرفته شده است.

وی در ادامه سخنان خود افزود: توجه ویژه به



با دستور رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش و پیگیری‌های معاونت توسعه مدیریت این سازمان، مدارس جزیره برای سال جدید تحصیلی تجهیز و نوسازی می‌شوند.

در گفت‌وگو با فرزین حقدل کارشناس مسائل مناطق آزاد مطرح شد:

تصویب پیش‌نویس برنامه هفتم توسعه، آخرین میخ بر تابوت مناطق آزاد ایران

گفت‌وگو:

طهورا کریمان

در سراسر دنیا، کشورها از بستر منطقه آزاد جهت حضور و افزایش سهم خود در بازارهای جهانی بهره‌گیری می‌کنند؛ چراکه این مناطق جایگاهی برای تمرین اقتصادی و شکل‌گیری و توسعه تبادلات بین‌المللی شناخته می‌شوند تا پس از موفقیت و تسری برخی از قوانین منطقه آزاد به سرزمین اصلی، بتوانند رونق اقتصادی کشور را فراهم نمایند. در سال۱۳۶۸ نیز در ایران تصمیم بر آن شد تا به سمت گسترش فضای اقتصادی و مبادلات تجاری با دنیا پیش برویم، از این حیث مناطق آزاد در کشور به منصف‌ظهور رسیدند و طبق قانون با وجود مشکلات زیرساختی فراوان، ایجاد گردیدند. واقعیت آن است که مناطق آزاد ایران با دست خالی به میدان آمدند و دولت‌ها حاضر نشدند هیچ‌گونه زیرساختی را در این مناطق فراهم نمایند؛ از سویی دیگر، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های سرزمین اصلی نیز ملزم به توسعه زیرساخت‌ها در مناطق آزاد نبودند؛ بنابراین ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری در این مناطق با منابع درآمدی سازمان‌های مناطق آزاد ازجمله فروش زمین و عوارض گمرکی انجام شد و این مناطق با چنگ و دندان زیرساخت‌های نسبی خود را ایجاد و شروع به فعالیت کردند تا امروز بتوانند میزبان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی باشند.

البته که در ابتدای تأسیس مناطق آزاد در کشور که مناطق نسل اول محسوب می‌شوند، حمایت‌هایی از سوی دولت وقت و مجلس شورای اسلامی وجود داشت و این مناطق توانستند به‌واسطه مزیت‌های نسبی و رقابتی، رشد نمایند؛ اما به مرور زمان با مدیریت غلط دولت‌ها و نگاه خصمانه برخی نمایندگان مجلس، این مناطق در ساختار اقتصادی کشور بی‌اعتبار شدند. متأسفانه در سال‌های اخیر نیز با بی‌مهری‌های دولت و مجلس شورای اسلامی، شاهد کاهش مشوق‌ها و مزیت‌های قانونی مناطق آزاد، اعمال بخشنامه‌های خلق‌الساعه و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق آزادی بوده‌ایم، اما آنچه که در حال حاضر مشخص و مبرهن است، مناطق آزاد امروز تفاوتی با سرزمین اصلی از حیث قانونی ندارند.

اکنون در ماه‌های آخر مجلسی هشتم که در ابتدای روی کار آمدن، طرح اصلاح قانون چگونگی اداره و مجلس شورای اسلامی، شاهد کاهش مشوق‌ها و مزیت‌های قانونی مناطق آزاد، اعمال بخشنامه‌های خلق‌الساعه و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق آزادی بوده‌ایم، اما آنچه که در حال حاضر مشخص و مبرهن است، مناطق آزاد امروز تفاوتی با سرزمین اصلی از حیث قانونی ندارند. اکنون در ماه‌های آخر مجلسی هشتم که در ابتدای روی کار آمدن، طرح اصلاح قانون چگونگی اداره و مجلس شورای اسلامی، شاهد کاهش مشوق‌ها و مزیت‌های قانونی مناطق آزاد، اعمال بخشنامه‌های خلق‌الساعه و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق آزادی بوده‌ایم، اما آنچه که در حال حاضر مشخص و مبرهن است، مناطق آزاد امروز تفاوتی با سرزمین اصلی از حیث قانونی ندارند.

یکی از ریشه‌های نبود مدیریت یکپارچه و عدم ثبات مدیریتی در مناطق آزاد، به تضعیف جایگاه این مناطق در کلان کشور برمی‌گردد. برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی صرفا به دلیل پاسخگو کردن دبیرخانه شوراییالی و مناطق آزاد به مجلس، این نهاد اقتصادی مهم را زیرمجموعه وزارتخانه‌ای قرار دادند که طبق قانون، روزی موظف به تفویض اختیار به مسئولین سازمان‌های مناطق آزاد بود؛ مضاف بر این، سایر وزارتخانه‌ها نیز حاضر به تفویض اختیار نبوده و نمی‌شوند و این‌گونه اساس مدیریت مناطق آزاد زیرسوال رفته است.

شاید اولین قدم برای اصلاح رویکردها، بازنگری در این تصمیمات و تلاش برای کارآمدسازی مجدد مناطق آزاد باشد تا جایگاه مدیریتی در این مناطق تقویت گردد. پس از آن بایستی در برنامه هفتم توسعه کشور، معافیت‌های مالیاتی برای فعالین اقتصادی این مناطق در نظر گرفته شود و مزیت‌های سرمایه‌گذاری به آنان بازگردانده شود تا کمی از مشکلات این مناطق کاهش یافته و فضای آزاد بتوانند روی ریل اصلی در نظر گرفته، حرکت نمایند. به همین منظور در گزارش پیش‌روی، با جناب آقای دکتر فرزین حقدل کارشناس مسائل مناطق آزاد به گفت‌وگو نشستیم و دیدگاه ایشان را درخصوص قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، ضرورت اصلاح این قانون، افزایش کمی مناطق در کشور، حذف معافیت‌ها و مزیت‌هایی قانونی مناطق آزاد جویا شدیم که در ادامه ملاحظه می‌فرمایید.

فرزین حقدل **اکنون ۲سال از حضور دولت سیزدهم در سیستم اجرایی کشور می‌گذرد. همانند سایر حوزه‌های مدیریت کلان دولتی، شاهد عدم ثبات مدیریتی در عرصه مناطق آزاد از سطح دبیرخانه شوراییالی تا سازمان‌های مناطق آزاد در این مدت کوتاه بوده‌ایم. به عقیده شما این بی‌ثباتی مدیریتی در دولت سیزدهم ریشه در چه موضوعی دارد و تبعات آن چیست؟**
بحث بی‌ثباتی مدیریتی در مناطق آزاد متأسفانه

مضلی می‌باشد که در این دولت بسیار بیشتر شده است. معمولا زمانی که مخالفین می‌خواهند مناطق آزاد ایران را بسنجند و همه‌ای علیه این مناطق برپا کنند، می‌گویند به فاصله کمی در جنوب کشورمان، منطقه آزاد جبل‌علی واقع شده است؛ ببینید که این منطقه آزاد به چه جاهایی که نرسیده؛ اما مناطق آزاد ما هیچ دستاوردی نداشته‌اند؟! بگذاریم از اینکه دولت مرکزی امارات برای ایجاد زیرساخت‌ها در منطقه آزاد جبل‌علی چه میزان هزینه نمود و پس آن، این منطقه آزاد راه‌اندازی و شروع به‌کار کرد و از سرمایه‌گذاران اقصى نقاط جهان دعوت به عمل آورد تا در این منطقه مشغول سرمایه‌گذاری شوند. اما در کشور ما مناطق فوق‌محرور و کم‌برخوردار تبدیل به مناطق آزاد شدند؛ ضمن اینکه بودجه‌های دولتی را نیز از آنها حذف کردند و مناطق آزاد مجبور شدند با درآمدهایی که کسب می‌کنند، زیرساخت‌های لازم را ایجاد نمایند.

در همان منطقه آزاد جبل‌علی، شخصی را که از روز اول به عنوان رئیس آن منطقه انتخاب کردند، همچنان فعالیت دارد و از همان ابتدا بوده و کماکان نیز حضور دارد. سیاست، قوانین و مقررات دبیر شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مرتب تغییر می‌کند و زیرمجموعه‌های او نیز از این قاعده مستثانه نیستند. اگر به خوبی نگاه کنیم، می‌بینیم که در دوران اساله یک دولت، که دارند، نرسند. چقدر تغییر و تحول داشته و حتی در برخی موارد عمر مدیریتی یک مدیرعامل در سازمان منطقه آزاد به زیر عماه هم رسیده؛ و این مضلی می‌باشد که متأسفانه گریبانگیر مناطق آزاد است و باعث می‌گردد که این مناطق به آن اهدافی که دارند، نرسند.

در همین تغییر و تحولات، افراد جدیدی که پست می‌گیرند، در ۹۰درصد موارد، تمامی کارها و اقدامات مدیرعامل یا مدیریت قبلی را کنار می‌گذارند و خودشان به یکسری کارها و تصمیمات جدید دست می‌زنند. این بی‌ثباتی مدیریتی، افقی جدی برای مناطق آزاد و همه دستگاه‌های دولتی است؛ اما این موضوع در مناطق آزاد نمود بیشتری دارد؛ چراکه مقرر بود این مناطق براساس استانداردهای بین‌المللی فعالیت کنند؛ اما این تغییر و تحولات باعث می‌شود که هیچ‌گاه به اهدافشان دست پیداکنند.

باید اذعان داشت، در منطقه آزاد جبل‌علی علاوهبر اینکه آقای سلطان بن‌سلیم از ابتدا تاکنون رئیس آن منطقه بوده؛ درحال حاضر توانسته درآمد ناخالص ملی کشور امارات را به‌گونه‌ای تأمین نماید که بیش از ۵۰درصد این درآمد صرفا از حوزه بندر جبل‌علی و فرودگاه دبى تأمین شود. با همین ثبات مدیریتی که داشته است، قریب به ۲۰بندر را در اقصى نقاط جهان خریداری نموده و آنها زیرمجموعه بندر جبل‌علی فعالیت‌های ترانزیتی و تجاری انجام می‌دهند.

فرزین حقدل **پس از گذشت ۶ سال و با تلاش‌ها و مساعی ویژه وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت سیزدهم، بالاخره ماده۲۳ قانون برنامه ششم توسعه کشور اجرایی شد و دبیرخانه شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در ذیل وزارت اقتصاد قرار گرفت. آیا این اتفاق توانسته است اهداف اولیه این قانون را محقق نموده و در مدیریت کلان مناطق آزاد منشا اثرات مثبتی باشد؟**

اینکه دبیرخانه شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ذیل وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گرفت، کار اشتباهی بوده است؛ با کمال احترامی که برای تصویب‌کنندگان این ماده قانونی قائل هستم، اما منطقه آزاد تعریف استاندارد بین‌المللی دارد و ما نمی‌توانیم خلاف آن تعریف، اقدامی صورت دهیم. در منطقه آزاد طبق قانون و مقررات، برای چایک شدن ساختار آنها و تسریع در امور سرمایه‌گذاران، باید کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های دستگاه‌های دولتی به مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد تفویض شود. طبق تجربه‌ای که در کشورمان داشتم، در طول آن دوران که حمایت مستقیم شخص

رئیس‌جمهور وقت از مناطق آزاد را داشتیم، تا بعدها که این حمایت‌ها کم شد و اکنون به اینجا رسید، باید تأکید کنم که هیچ‌وقت دستگاه‌های دولتی درآمدزا و حاکمیتی حاضر به بحث تفویض اختیارات نشدند. دستگاه‌های دولتی هزینه‌ساز همچون آموزش و پرورش، وزارت میراث و... تمکین کردند و تفویض اختیار انجام شد؛ اما دستگاه‌های دولتی درآمدزا حاضر نشدند علی‌رغم دستورات مستقیم، تفویض اختیار نمایند و مهم‌تر اینکه این مناطق پیش‌تر زیرنظر ریاست جمهوری فعالیت می‌کردند، اما به هرحال دستگاه‌ا از قانون تمکین نکردند.

در آن زمان که مناطق آزاد در حد یک وزارتخانه می‌توانست عمل کند و جایگاه مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد به اندازه یک وزیر بود؛ تفویض اختیارات صورت نگرفت؛ حال که جایگاه دبیر شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به اندازه یک مدیرکل در زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی است، مسلما هیچ دستگاه دولتی وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های خود را به یک وزارتخانه هم‌عرض که نه، بلکه به یک اداره‌کل زیرمجموعه یک وزارتخانه دیگر تفویض نخواهد کرد. لذا این اقدام محکوم به شکست است.

در شرایط کنونی، دو راهکار وجود دارد: یا در برنامه هفتم توسعه کشور به روال قبل برگردند و دبیرخانه شوراییالی و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را زیرنظر شخص ریاست جمهوری قرار دهند، و یا اینکه مناطق آزاد را به‌طور کلی تعطیل کنند. این اتفاق و انتقال، نه تنها اهداف اولیه قانون را محقق نکرده، بلکه اثرات منفی در ساختار کلی مناطق آزاد و تعاملات دستگاه‌ها با این مناطق داشته است.

فرزین حقدل **در طول سال‌های اخیر به‌ویژه طی ۲سال گذشته، شاهد نقض و حذف مزیت‌های قانونی مناطق آزاد بوده‌ایم، ازجمله معافیت از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده که در دولت سیزدهم ملغی شد. این جریان مستمر و عدم همراهی دولت و مجلس با قوانین اصیل مناطق آزاد نشانه چیست؟ این امر در آینده مناطق چه تأثیری خواهد داشت؟**

در یک دورانی، تنها مخالفین مناطق آزاد، دستگاه‌های دولتی بودند که علاقه نداشتند وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های خود را در یک محدوده مشخص، به سازمان‌های مناطق آزاد تفویض کنند. این قضیه منجر به اخلال در امورات سازمان‌های مناطق آزاد می‌شد؛ که عمده‌ترین آنها، سازمان‌های زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی بود که شامل سازمان امور مالیاتی و گمرک جمهوری اسلامی ایران می‌شود. البته سایر دستگاه‌های دولتی نیز بودند که مسئولیت‌های خود را تفویض نمی‌کردند و در مخالفت مستقیم، واضح و آشکار با منطقه آزاد اقدام می‌نمودند. اما آن زمان حمایت قوه مقننه یا مجلس شورای اسلامی را داشتیم و مجلس حداقل در این زمینه‌ها از سازمان‌های مناطق آزاد حمایت می‌کرد؛ با اینکه منطقه آزاد بخشی از بدنه دولت بودند، اما بیشترین تقابل را با دستگاه‌های دولتی داشت. ولی در سال‌های اخیر طیفی که در مجلس هستند، براساس نظرات و دیدگاه‌های خویش، به جرعه مخالفین مناطق آزاد پیوسته‌اند. اکنون لوایچی که از سوی دولت برای تصویب به مجلس ارسال می‌شود و در مجلس شورای اسلامی نیز مصوب می‌گردد، عموما در تضاد با قوانین و مقررات مناطق آزاد است. همه این موضوعات باعث می‌شود که مناطق آزاد نتوانند به وظایف خود عمل کنند و به آن اهداف معین برسند. اینکه دولت و مجلس همراه و همسو هستند، در کل برای کشور می‌تواند اتفاق خوبی باشد؛ اما درخصوص مناطق آزاد این همراهی و همسویی در راستای نابودی این مناطق است.

فرزین حقدل **برخلاف روح بند۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، هم در دولت قبل و هم دولت سیزدهم، شاهد افزایش تعداد مناطق به‌جای توسعه حوزه عمل مناطق آزاد هستیم. این موضوع آیا نشان‌دهنده کج‌فهمی مزمن از کارکرد مناطق آزاد نیست؟ چرا بدون تأمین منابع**

مالی توسعه زیرساخت‌ها در اسناد دولتی، مناطق آزاد بدون پشتوانه ایجاد می‌شود؟
بنده متعجب هستم در زمانی که همه مزیت‌های قانونی مناطق آزاد توسط دولت و مجلس حذف می‌شود، ایجاد منطقه آزاد جدید چه مزیتی خواهد داشت؟! مناطق آزاد جدیدی که نه بودجه‌ای برای زیرساخت‌ها دارند و از سوی دیگر نیز مزیت‌های قانونی آن حذف شده است؛ بحث مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده، مزیت‌های سرمایه‌گذاری، بانک و بیمه خارجی، ثبت شناورها و هوایم‌ها و... به مرور حذف گردیده است. با عنایت به برآیند این اتفاقات، مناطق آزاد در ایران محکوم به نابودی هستند. در زمانی که قانون مرتقی مناطق آزاد در مجلس مصوب و مناطق آزاد نسل اول تشکیل شدند، به جز جزیره کیش که یکسری زیرساخت‌ها را از زمان سازمان عمران این منطقه داشت؛ سایر مناطق آزاد از زیرساخت‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری محروم بودند و هیچ‌گونه بودجه‌ای به آنها اختصاص پیدا نکرد و این مناطق با‌انکاء بر عوارض سرمایه‌گذاران و بحث فروش زمین، توانستند بخشی از زیرساخت‌ها را فراهم کنند.

بعدها مناطق آزاد ثانویه که شامل اروند، ارس و انزلی بودند، به‌وجود آمدند؛ اما آنها هم دارای زیرساخت‌های لازم نبودند و از امکانات و ظرفیت‌های شهرهایی همچون آبادان، خرمشهر، بندر انزلی و شهر جلفا برای توسعه منطقه آزاد استفاده کردند که این نیز رویکردی غلط بود. پس از آن منطقه آزاد پهنآور ماکو تأسیس شد که دارای چندین شهرستان است؛ اما برای این منطقه نیز زیرساختی تعیین نگردید. در شرایطی که می‌بایست مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد کشورهای همچوار جنگ اقتصادی می‌کردند، اما از این رقابت نابرابر بازماندند. منطقه آزاد شهر فرودگاهی امام(ره) نیز که پس از هفت منطقه آزاد دیگر تصویب شد نیز همین روال را دارد. لذا هیچ منطقه آزادی در کشور زیرساخت‌های ضروری و لازم را ندارد.

این مناطق به سبب نداشتن زیرساخت‌ها، با مشکلات فراوانی دست به گریبان شدند و این موضوع کاملا مشهود بوده است. حال با وجود این چالش‌ها و مصائب، مناطق آزاد جدید نیز مصوب شدند؛ جالب آنکه علی‌رغم این‌که در کشور هجمه شدیدی علیه مناطق آزاد وجود دارد و هر مشکلی که در کشور بروز می‌کند یک پای اتهام به غلط به سوی مناطق آزاد می‌باشد، این سوال مطرح می‌شود که وقتی مناطق آزاد بد است، دلیل تصویب مناطق آزاد جدید چیست؟! افزایش کمی مناطق آزاد تنها منفعتی که برای برخی داشته، بحث دلالی زمین و افزایش قیمت زمین برای مناطقی بوده که مصوب شدند، اما هیچ زیرساختی ندارند!

فرزین حقدل **اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد که از ابتدای مجلس فعلی با محوریت کمیسیون اقتصادی شروع شده بود، پس از گذشت چندین سال هنوز به جایی نرسیده است. به عقیده شما قانون مناطق آزاد چقدر نیازمند به‌روزرسانی و احیای مزیت‌های اقتصادی است؟**

بحث اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در مجلس فعلی شروع شده و هنوز هم به جایی نرسیده است. قانونی که بیشتر از ۳۰ یا ۴۰درصد آن هم اجرایی نشده است را نمی‌توان سنجید و گفت که آیا این قانون خوب بوده یا بد و کدام بخش آن ایراد دارد که نیاز به اصلاح است؟!

اجازه دهیم که همین قانون فعلی که به گواه فعالین اقتصادی در مناطق آزاد کشورهای دیگر، قانون مرتقی و خوب است، در بازه زمانی مشخص، به صورت کامل اجرایی گردد و همچنین نظارت‌ها از سوی نهادهای نظارتی نیز بیشتر شود تا پس از آن دربرایم که یا این قانون خوب بوده است یا خیر؟ هر بخشی که دارای ایراد و اشکال بود را می‌توان اصلاح کرد و بخش‌هایی که ایرادی ندارد، می‌تواند ادامه پیدا کند و حتی قابلیت تسری به سرزمین اصلی را داشته باشد.

تا زمانی که یک قانون به طور کامل اجرا نشده است، نمی‌توانیم بگوییم که کدام بخش و بند آن ضعف یا قدرت داشته است. قانون چگونگی اداره مناطق آزاد شفاف و مرتقی است، اما به سبب اینکه اجرایی نشده، قابل سنجش نیست.

فرزین حقدل **سیاست‌های کلان دولت سیزدهم در حوزه مناطق آزاد را می‌توانیم به طور خلاصه در لایحه برنامه هفتم توسعه کشور ببینیم. چرا این سیاست چنین آشفته و بدون چارچوب منطقی و اجرایی است؟**
با آن موضوعات و مواردی که در پیش‌نویس لایحه برنامه هفتم توسعه کشور دیده‌ایم، باید بگویم که هیچ آمیدی به مناطق آزاد نیست. کلیه مزیت‌هایی که مناطق آزاد می‌تواند داشته باشد تا سرمایه‌گذار داخلی و خارجی را جذب نمایند، از بین رفته است. بی‌تردید باید اسم دیگری برای منطقه آزاد پیدا کرد. مسلما موجودی که با تصویب برنامه هفتم توسعه کشور خلق می‌شود، دیگر منطقه آزاد نخواهد بود و می‌بایست نامی دیگر برای آن ابداع نماییم. حتم بدانیم اگر برنامه هفتم توسعه کشور با همین کیفیت مصوب گردد، آخرین میخ بر تابوت مناطق آزاد ایران زده خواهد شد و در آینده نیز باید از این مورد به عنوان یک تجربه ناموفق یاد کنیم که پس از مدتی علی‌رغم همه سرمایه‌گذاری و هزینه‌کردها، عملا مناطق آزاد ایران از بین می‌روند.

یادداشت

ضرورت تشکیل مرکز گسترش همکاری‌های بین‌المللی در مناطق آزاد

یادداشت:

دکتر سعید شکوهی کارشناس مسائل بین‌الملل

یکی از اهداف کلیدی ایجاد مناطق آزاد در کشور، گشایش مسیرهای همکاری با همسایگان و دیگر کشورها بود؛ به این امید که این مناطق بتوانند با انعطاف بیشتر و با اصلاح برخی قوانین و مقررات داخلی، مسیر هموارتری برای روابط اقتصادی با دیگر نقاط جهان فراهم آورند. اهمیت این مسئله با درنظر گرفتن تحریم‌های گسترده غرب علیه جمهوری اسلامی ایران دوچندان می‌نماید. از سوی دیگر، واژه مناطق آزاد در ارتباط با «جهان خارج» معنا و قوام می‌یابد و بدون آن، فلسفه وجودی و معنایی خود را از دست می‌دهد. باتوجه به نزدیکی مناطق آزاد به مرزهای کشور، پتانسیل و توانمندی این مناطق برای بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی و حتی پارادایلماسی به‌منظور پیش‌برد اهداف اقتصادی و سیاسی کشور به‌شدت چشم‌گیر است. اما متأسفانه تاکنون از این پتانسیل به‌خوبی بهره گرفته نشده و فرصت‌های بی‌شماری از دست رفته است.

نکات عمده در زمینه فعالیت‌های بین‌المللی مناطق از این قرار هستند:

(۱) نبود یک برنامه منسجم در فعالیت‌های بین‌المللی مناطق آزاد:

با بررسی اولیه در زمینه فعالیت‌های بین‌المللی مناطق آزاد کشور، چنین به‌نظر می‌رسد که مناطق آزاد، برنامه‌ای مدون، مصوب، مشخص و راهبردی برای گسترش و تعمیق روابط بین‌المللی خود نداشته‌اند و هر آنچه که هست و اتفاق افتاده، براساس معرفی افراد و شخصیت‌ها، آشنایی قبلی، اتفاقات و کانال‌های دیگر بوده است. بدین معنا که برنامه منسجمی برای شناسایی ظرفیت‌های بین‌المللی مناطق آزاد و شناسایی مناطق و افراد خارجی مستعد همکاری‌های بین‌المللی وجود ندارد و اتفاق‌های پراکنده‌ای هم که در حوزه بین‌المللی رخ می‌دهد، هم‌افزایی و قابلیت انباشت نتایج ندارند و آثار محسوسی هم در این زمینه به‌وجود نیامده است، به‌جز برخی استثناهای محتمل.

(۲) ساختار خاص دبیرخانه و مناطق آزاد:

در چارت سازمانی دبیرخانه و مناطق آزاد، «روابط بین‌الملل» در اداره «روابط عمومی» ادغام شده است؛ به‌نام «داره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل». در این ساختار «امور بین‌الملل» مترادف با «ارتباطات» و «روابط عمومی بین‌المللی» است. از همین‌رو، تلاش‌ها و فعالیت‌های ارزشمند انجام شده در این حوزه، خیلی برآورده‌کننده انتظارات و اهداف در حوزه بین‌المللی نیست. به‌نظر می‌رسد که ضرورت داشته باشد با تشکیل دو مرکز دیپلماسی عمومی و اطلاع‌رسانی و مرکز گسترش همکاری‌های بین‌المللی مناطق، این مشکل مرتفع شود.

(۳) نبود یک برنامه جامع گسترش همکاری‌های بین‌المللی:

با توجه به فلسفه وجودی مناطق آزاد، انتظار می‌رفت که طی سال‌های گذشته برنامه‌ای جامع، دقیق و راهبردی برای گسترش روابط بین‌المللی مناطق آزاد نگاشته و اجرایی می‌شد. اما متأسفانه نه در خود مناطق چنین طرحی موجود است و نه دبیرخانه شوراییالی به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار و تنظیم‌کننده امور مناطق آزاد، طی دهه‌های گذشته ورود جدی به این مقوله داشته است. از همین‌رو، روابط بین‌المللی مناطق آزاد جزء حوزه‌های ضعیف آنان از نظر عملکرد است. شاید به همین دلیل است که مناطق آزاد طی سال‌های گذشته نتوانسته‌اند به کارکرد واقعی و نقش متصور خود در گسترش همکاری‌های اقتصادی، فقرزدایی و توسعه مناطق، حتی نزدیک شوند.

(۴) شورای‌عالی مناطق آزاد به‌مثابه سکандار هدایت روابط خارجی مناطق آزاد:

براساس اسناد بالادستی، شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مسئول سیاست‌گذاری، هدایت و ارزیابی فعالیت‌های مناطق آزاد است. این مسئولیت در حوزه روابط خارجی جلوه پررنگ‌تری دارد؛ چراکه تنظیم روابط خارجی مناطق، نیازمند نگرش جامع‌الاطراف و دوجوهین، مبتنی‌تر اسناد بالادستی و اهداف کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. متأسفانه تاکنون دبیرخانه از داشتن یک مرکز تخصصی برای هدایت و راهبری روابط خارجی مناطق آزاد محروم بوده و عمده فعالیت‌ها در حوزه بین‌المللی، در مدیریت‌های مختلف به‌صورت پراکنده پیش رفته است که به‌طور عمده، هم‌افزایی و نتیجه‌عینی بارزی نداشته‌اند. از این‌رو، با عنایت به فرصت‌های از دست رفته چنددهه پیش، لازم است در اسرع وقت نهادی برای پیشبرد این دستورکار مشخص شود و ماموریت‌های خطیر این حوزه را به‌انجام برساند.

(۵) ضرورت تشکیل یک مرکز متولی پیشبرد فعالیت‌های بین‌المللی ابلاغی در برنامه راهبردی تحول مناطق آزاد:
بدیهی است برای اجرای درست و دقیق راهبرد توسعه ارتباطات خارجی و بین‌المللی‌سازی مناطق آزاد، نیاز به یک نهاد مشخص وجود دارد که بتواند با شناسایی نقاط قوت و ضعف مناطق، براساس اسناد بالادستی و در نظر گرفتن اولویت‌های اساسی کشور، برنامه راهبردی جامعی را طراحی و بعد از تایید شورای‌عالی، به مناطق مختلف ابلاغ نماید. برای اجرای درست و کامل این برنامه نیاز به نظارت، ارزیابی و پایش فعالیت‌های مناطق نیز احساس می‌شود. با ایجاد یک مرکز گسترش همکاری‌های بین‌المللی، مناطق می‌توانند این مهم را به ثمر بنشانند.

نتیجه‌گیری:

با عنایت به موارد پیش‌گفته، برای پرهیز از فرصت‌سوزی‌های بی‌شمار دوران گذشته، راهبای از فعالیت‌های پراکنده و بی‌برنامه، تدوین یک برنامه راهبردی مشخص برای فعالیت‌های بین‌المللی مناطق آزاد، نظارت و ارزیابی دقیق این فعالیت‌ها و جامعه عمل پوشاندن به یکی از مهم‌ترین ماموریت‌های مناطق آزاد در گسترش روابط خارجی و ایفای نقش موثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق، تشکیل یک نهادی با اختیار عمل و استقلال مناسب و زیرنظر دبیر محترم شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، به‌منظور گسترش فعالیت‌های بین‌المللی ضروری می‌نماید تا سامانی به فعالیت‌های این حوزه دهد.

واکوی اثرات و تسری قوانین و صدور بخشنامه‌هایی که قانون مناطق آزاد را نقض کرد:

فرار سرمایه‌گذاران از مناطق آزاد در پی نقض مکرر قانون و بی‌اعتمادی به دولت



گزارش:فربیا شیخی

در سده‌ه گذشته مناطق آزاد ایران به رغم برخوردار بودن از قوانین و مقررات مطلوب و مناسب که از مزیت‌های قابل‌توجهی نسبت به مزایای قابل ارائه به سرمایه‌گذاران در قیاس با برخی کشورها بهره می‌بردند؛ تا در عمل به چرخه باطل عدم اجرای قانون در افتاده و آنچه انجام نگردیده، قانون می‌باشد؛ موضوعی که از طریق عدم اجرا، تمکین نکردن از برتری جایگاه قانون مناطق آزاد در محدوده سرزمینی آن توسط ارگان‌ها و دستگاه‌های دیگر، تفسیر به‌رای علیه مزایای قانونی مترتب‌بر سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در مناطق، تممیم قوانین سرزمین اصلی به محدوده مناطق آزاد، تصویب آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی و مصوباتی در مجلس شورای اسلامی که در تخالف و نقض آشکار با مواد قانون مختص به مناطق آزاد قرار دارد؛ موقعیت قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران را در جایگاهی قرار داده است که دیگر از قدرت اجرایی برخوردار نیست!

به موارد صدراالاشاره باید به ایراد اتهامات واهی و ارائه آدرس غلط‌هایی همچون اینکه مناطق آزاد از ریل و اهداف تعیین شده دور افتاده، واردات بر صادرات چیره شده و عرصه قاچاق شده‌اند، اشاره کرد که به تجربه چنددهه گذشته، هدفی جز شמוש کردن اذهان عمومی و دور کردن سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از فضای مناطق آزاد ایران را به همراه نداشته است.

بر این اساس، آنچه در ذیل عرضه می‌شود؛ بیانگر بخشی از تعارضات قانونی و مقررات مصوب از سوی دولت و مجلس شورای اسلامی می‌باشد که برخلاف قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی؛ بند۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و ماده۶۵قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور است.

تعارضات ناشی از قوانین و مقررات دولتی

۱-۱: نقض ماده۲۲ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی که مبتنی‌بر ثبت شرکت جهت انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی در چارچوب قانون می‌باشد؛ موضوعی که براساس استقلال ذاتی مناطق آزاد از سرزمین اصلی و به عنوان یکی از مزیت‌های جذب سرمایه‌گذاران خارج از کشور در نظر گرفته شده است.

متأسفانه طی دهه گذشته به پنهان سوه‌استفاده تعداد معدودی از افراد که در اثر عدم نظارت صحیح به وقوع پیوست، از طریق صدور بخشنامه‌های متناقض با این ماده از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در ارتباط با ثبت شرکت در سطح مناطق به اجرا درمی‌آید (طبق تفاهم‌نامه با دبیر وقت)، در نتیجه شرایط و ضوابط ثبت شرکت در مناطق آزاد همچون سرزمین اصلی تغییر شکل و روش پیدا کرده و در سادترین شرح وظایف پیرامون مدیریت‌های ثبت شرکت در هر سازمان منطقه آزاد! امکان تعیین نام نیز از سازمان‌های مناطق آزاد ساقط شده است.

۱-۲: نقض ماده۱۳ قانون مناطق آزاد، از طریق تصویب و اجرای (بند(ت) ماده۲۱ قانون رفع موانع تولید در سال۱۳۹۴ که براساس آن مناطق آزاد ملزم به ارائه اظهارنامه مالیاتی شده‌اند؛ که منجر به تسری آن در ماده۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم در هنگام اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم شد.

درواقع براساس تفاهم‌نامه منعقدہ دبیر وقت شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با وزیر امور اقتصادی و دارایی با حذف تغییر «معافیت» به «مالیات به نرخ صفر»، زمینه تغییر نگاه به معاف بودن هرگونه فعالیت اقتصادی با این ماده از مناطق آزاد از دایره شمول مالیات به این تغییر که همه در دایره شمول مالیات قرار دارند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود؛ فراهم شد! موضوعی که علی‌رغم تصریح ماده۱۳ که خطاب به اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند، قانونگذار تأکید می‌کند: «نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی از پرداخت مالیات بردرآمد و دارایی موضوع قانون مالیت‌های مستقیم معاف خواهند بود، می‌باشد».

با رد ماهیت و روح ماده۱۳، قانون، از طریق ماده قانونی فوق، امکان نقض معافیت براساس انواع مواد قانون مالیات‌های مستقیم و بخشنامه‌های صادره را به‌راحتی در اختیار ممیزان و کارشناسان سازمان امور مالیاتی قرار داده شده، نکته‌ای که طرف سال‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای برای فعالین اقتصادی به‌وجود آورده است.

در این میان نقض معافیت مالیاتی فعالین اقتصادی مناطق آزاد مربوط به عملکرد مالی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۵، توسط سازمان امور مالیاتی که با تفسیر ناصواب از تبصره۲ ماده۱۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه کشور، بسیاری از فعالین اقتصادی را با سازمان مزبور مواجه و موجبات تغییر نگاه سازمان امور مالیاتی به معافیت مالیات بر عملکرد ۲۰ساله در مناطق بعد از صدور دستورالعمل مالی در سال۹۵ شده، نمی‌توان به‌راحتی عبور کرد؛ امری که مشکل جدیدی بر مسائل این حوزه اضافه نموده است.

۳-۱: نقض معافیت از پرداخت مالیات بر دارایی فعالین اقتصادی مصرح در ماده۱۳ قانون مناطق آزاد به‌واسطه دریافت مالیات از بابت نقل و انتقال اموال منقول و غیرمنقول در برخی از سازمان‌های امور مالیاتی در سطح مناطق آزاد.

۴-۱: عدم اجرا و نقض ماده۹ قانون مناطق آزاد که بر نرخ ترجیحی و رقابتی انواع خدمات دستگاه‌های دولتی در سطح مناطق تأکید دارد؛ موضوعی که از طریق یکسان بودن و حتی سختگیرانه‌تر بودن ارائه خدمات توسط دستگاه‌های فوق به فعالین اقتصادی و عدم انعقاد قرارداد یا دریافت مجوز از سازمان‌های مناطق توسط دستگاه‌های فوق جهت فعالیت در محدوده مناطق به اجرا درمی‌آید؛ درواقع براساس رویه درحال اجرا از سوی برخی دستگاه‌های دولتی، نه تنها موقعیت رقابتی منطقه آزاد در مقابل مناطق آزاد سایر کشورها حفظ نگردیده، بلکه در قیاس با سرزمین اصلی نیز تضعیف شده است.

۵-۱: نقض ماده۱۴ قانون مناطق آزاد با مصوبه هیات وزیران در قالب قانون ساماندهی مبادلات مرزی؛ از طریق حذف گمرکات سازمان‌های مناطق آزاد و استقرار گمرک جمهوری اسلامی در سال۱۳۹۴ که زمینه تسری بسیاری از رویه‌های گمرکی مربوط به قلمرو گمرکی سرزمین اصلی به این مناطق را پدید آورد، که دستاورد آن بروز مشکلات بیشمار برای فعالین اقتصادی مناطق آزاد بود.

۶-۱: نقض مضاعف ماده۱۴ قانون مناطق آزاد در چارچوب ملزم کردن فعالین اقتصادی مناطق آزاد به‌واسطه انجام رویه ثبت سفارش جهت کلیه مبادلات بازرگانی و واردات مواد اولیه واحدهای تولیدی از خارج کشور از ابتدای سال ۱۳۹۷، از طریق تفسیر ناصحیح و غلط بانک مرکزی جمهوری اسلامی از مصوبه هیات وزیران انجام گرفت. مصوبه‌ای که با تسری قوانین عادی به محدوده گمرکی خارج از سرزمین اصلی و در محدوده مناطق آزاد با توجیه مدیریت بازار ارز اجرایی شد و با این اقدام که برخلاف منویات مقام معظم رهبری است، نه تنها زمینه اخلال و رکود در فضای کسب و کار مناطق آزاد را فراهم آورد، بلکه به دلیل نبود



ساز و کار لازم در این ارتباط در سطح مناطق و در سامانه مزبور، باعث تعطیلی بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه‌های تولیدی و صادرات‌مجدد از آن تاریخ تاکنون در مناطق شده است. گفتنی است، در اولین ماده از مصوبه هیات دولت به منظور ساماندهی و مدیریت بازار ارز که تصویب و ابلاغ شد، تصریح شده «واردات کلیه کالاها به صورت تجاری به کشور اعم از مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی و سایر مبادی ورودی بدون ثبت سفارش ممنوع است». یعنی با مصوبه فوق، عملاً ماده۴ مقررات صادرات، واردات و امور گمرکی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت نقض شده است.

۷-۱: نقض ماده۴۶ مقررات کار و اشتغال مناطق آزاد از طریق دخالت فراقانونی سازمان تأمین اجتماعی در محدوده مناطق آزاد که متأسفانه با همکاری اغلب سازمان‌های مناطق آزاد همراه بوده و ایجاد مشکلات برای فعالین اقتصادی در محدوده این مناطق همچون سرزمین اصلی کماکان ادامه دارد. این درحالی است که براساس قانون، این مناطق دارای قوانین و مقررات اشتغال نیروی انسانی مخصوص به خود می‌باشد که به عنوان بسته حمایتی از سرمایه‌گذاران (به‌ویژه تولیدی) به تصویب درآمده است.

از سوی دیگر سازمان‌های مناطق آزاد مکلف به تشکیل صندوق‌های بیمه‌ای با مشارکت شرکت‌های بیمه‌ای بوده‌اند، وظیفه‌ای که هنوز به منصه‌ظهور نرسیده است.

۸-۱: نقض مواد۱۶ و ۱۷ قانون مناطق آزاد و ابتر ماندن مزایای مندرج توسط کمیسیون تعیین ارزش افزوده دبیرخانه شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و گمرک جمهوری اسلامی که در قالب مصوبات متناقض آن کمیسیون و رویه اجرایی که به صورت سلیقه‌ای از سوی گمرک در ارتباط با هر منطقه آزاد درحال اجرا می‌باشد؛ موضوعی که عملاً مزیت مرتبط با ارزش افزوده تولیدی در این مناطق را کمرنگ و در برخی موارد از میان برده است. در این خصوص مصادیق زیادی وجود دارد که در جای خود قابل بررسی و بحث می‌باشد.

۹-۱: عدم اجرای ماده۲۰ و ۲۱ قانون که معطوف به «آزاد بودن ورود و خروج سرمایه و سود حاصله از فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آزاد» و «تضمین حقوق قانونی سرمایه‌گذاران خارجی که پذیرش سرمایه آنها به تصویب هیات دولت رسیده است» باعث عدم جذب سرمایه‌گذاران خارجی یا ایرانیان خارج از کشور شده و با خدشه وارد کردن به اصلی‌ترین اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی در اقتصاد جمهوری اسلامی، موجبات عدم تحقق و یا جذب حداقلی سرمایه‌گذار خارجی در مناطق آزاد شده است.

این درحالی است که در مقایسه با سرزمین اصلی، ظرف سال‌های اخیر به دلیل شرایط تحریمی کشور، شاهد تغییر قوانین و مقررات در مسیر تسهیل و تسریع در فرآیندهای جذب سرمایه‌گذار در داخل کشور می‌باشیم، و در مقابل نیز تاکنون هیچ اقدام عملی درخصوص تثبیت مزیت مناطق آزاد در این مورد انجام نشده است.

۱۰-۱: نقض و عدم اجرایی ماده۲۷ قانون مناطق آزاد، که به ترتیب در ماده۲۵ قانون برنامه چهارم، ماده۱۱۲ قانون برنامه پنجم و ماده۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور بر آن تأکید و تصریح شده، که براساس آن اجرای مدیریت یکپارچه مناطق آزاد توسط دستگاه‌های دولتی معین شده است؛ اما در عمل مانع ابراز بهانه‌های مختلف ازجمله تخصصی و اختصاری بودن خدمات و وظایف سایر دستگاه‌های دولتی که باعث سردرگمی فعالین اقتصادی بین سازمان‌های مناطق آزاد و دستگاه‌های دولتی جهت اخذ مجوز شروع سرمایه‌گذاری و ادامه کار نشده است. درواقع سرمایه‌گذاران مناطق آزاد، نسبت به فعالین اقتصادی در سرزمین اصلی با تکالیف مازاد و مضاعفی مواجه می‌باشند. به عبارتی به جای کاهش بوروکراسی اداری، یک فعال اقتصادی در مناطق آزاد در بیشتر مواقع علاوه‌بر سازمان عامل آن منطقه، ملزم به اخذ مجوز از سایر نهادهای شهرستانی و استانی است.

بنابراین تا زمانی که تکلیف این امر به طور کامل مشخص نشود، کماکان فعالیت در محدوده مناطق آزاد در زمینه طرح‌های سرمایه‌گذاری کلان، غیرمنطقی و از عقل معاش دور به نظر می‌رسد.

چالش‌های به‌وجود آمده به سبب مصوبات مجلس شورای اسلامی

۱-۲: براساس تبصره ماده۲۳ قانون مناطق آزاد ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، کلیه وظایف، اختیارات، ساختار و تشکیلات دبیرخانه شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با حفظ شخصیت حقوقی مستقل و با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه به وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزیر دی‌ربط مسئول اجرای قوانین مرتبط با حوزه مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی خواهد بود. تصویب این تبصره بنابر تأیید و تأکید نمایندگان مجلس و کارشناسان، صرفا در لاجأت و تقابل با دبیر وقت شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در صحن علنی مجلس بدیع مصوب و مجدداً در مجلس یازدهم در قانون بودجه سال۱۴۰۱ بر آن تأکید شد و با تصویب هیات وزیران در پاییز سال ۱۴۰۱ به مرحله اجرا درآمد که درواقع شاهد تحویل و تنزلی جایگاه و اختلاط شأنیت حاکمیتی دبیرخانه شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی می‌باشیم؛ چراکه رئیس این شورا، رئیس‌جمهور می‌باشد که در آن چند معاون و وزیر عضو کابینه حضور دارند، در نتیجه چگونه دبیرخانه آن ذیل یک وزارتخانه قرار گرفته و از امکان ایجاد ارتباط و اثرگذاری بر سایرنهادهای دولتی برخوردار است؟!



روند نزولی جایگاه حاکمیتی و قدرت مانور مناطق آزاد ظرف سال‌های اخیر بر اثر مصوبه فوق با شدت بیشتری طی شده است؛ قانونی که در شرایط سخت تحریم، گذرگاه‌های عبور از ممبر تحریم با تکیه بر مزایای قانونی آن در کالبد معارضین به حدود قانونی مناطق آزاد، یعنی گمرک، دارایی، بیمه و بانک مرکزی در این وزارتخانه متمرکز می‌باشند.

۲-۲: تصویب و اجرای (بند(ت) تبصره۶) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ که متأسفانه با توجه به عدم پیگیری مسئولین وقت دبیرخانه شوراییالی، تبدیل به ماده۱۰ قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده کشور شد، که براساس آن با تصریح بر «تسری پرداخت مالیات بر ارزش افزوده به مناطق آزاد تجاری-صنعتی مشابه سرزمین اصلی» مشکلات مضاعفی برای فعالین اقتصادی و سرمایه‌گذاران این مناطق عارض نموده است که اجرای این قانون از ۱۳دی‌ماه سال ۱۴۰۰ لازم‌الاجرا گردید و براساس همین قانون، صرفاً مناطق آزادی که محصور بودن آن به تأیید گمرک جمهوری اسلامی ایران رسیده و خارج از نقاط جمعیتی باشند و همچنین مناطق آزادی که تراز تجاری آنها مثبت بوده باشد، می‌توانند از ظرفیت معافیت مالیات بر ارزش افزوده استفاده کنند و سایر مناطق آزاد از این معافیت، مستثنی خواهند و اخذ مالیات بر ارزش افزوده از آنها اجرا می‌شود، که طبیعتاً غالب مناطق آزاد کشور، حائز این شروط نبوده و جملگی مشمول پرداخت مالیات بر ارزش افزوده شده‌اند!

از منظر قانونی، براساس ماده(یک) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، به منظور تسریع انجام امور مختلف و به عبارتی تسهیل‌گری و کاستن از فرآیندهای اداری سرزمین اصلی در ارتباط با جذب سرمایه‌گذار به‌وجود آمده‌اند و این مصوبه در تخالف آشکار با نص و روح این ماده قانونی است. در عین حال بنابر مواد۵ و ۱۰ قانون فوق؛ مستقل و میری بودن از مقررات دولتی؛ عدم تخصیص هرگونه بودجه از سوی دولت؛ خودگردان بودن مالی براساس بودجه سالیانه مصوب شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و اخذ انواع عوارض از فعالیت‌های اقتصادی و نقش جایگزینی دولت در این محدوده جغرافیایی؛ از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین کننده مدل فعالیت هر منطقه آزاد تجاری-صنعتی است؛ موضوعی که در تضاد با ماده ۱۰ قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.

در ماده۱۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد؛ مبادلات بازرگانی مناطق آزاد با خارج از کشور، از شمول مقررات گمرکی سرزمین اصلی مستثنی عنوان و به عبارتی بر خارج از قلمرو گمرکی بودن این مناطق صحه گذاشته شده است؛ امری که براساس عرف جاری مناطق آزاد دنیا و کنوانسیون کیوتو که جمهوری اسلامی ایران به عضویت آن درآمده، این منطقه از اقتصاد و اخذ انواع عوارض از فعالیت‌های اقتصادی و نقش جایگزینی دولت در این محدوده جغرافیایی؛ از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین کننده مدل فعالیت هر منطقه آزاد تجاری-صنعتی است؛ موضوعی که در تضاد با ماده ۱۰ قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.

در ماده۲۵ قانون برنامه چهارم، ماده۱۱۲ قانون برنامه پنجم و ماده۶۵ قانون احکام دائمی توسعه جمهوری اسلامی ایران را نیز اضافه کرد که بر نوع همکاری سازمان منطقه آزاد با سایر نهادها به منظور اعمال مدیریت یکپارچه و عدم دخالت دستگاه‌ها و ارگان‌های دولتی در این محدوده جغرافیایی تصریح شده؛ موضوعی که در به‌واسطه مصوبات مجلس شورای اسلامی نقض شده است.

بی‌تردید با اضافه شدن ۹درصد مالیات بر ارزش افزوده، زمینه افزایش هزینه‌های هرگونه فعالیت اقتصادی (تولیدی-خدماتی) و زندگی در مناطق آزاد پدید آمده؛ موضوعی که مهاجرت حداکثری سرمایه‌گذاران و ساکنین غیربومی و حتی بومی مناطق آزاد را نیز به‌وجود آورده است.

آرای دیوان عدالت اداری و ابطال قوانین مناطق آزاد

با عنایت به‌وجود برخی نواقص در قانون فعلی که مهم‌ترین آن قابل تفسیر بودن آن است، طرف پنج، شش‌سال گذشته برخی اشخاص موفق به اخذ به ابطال مواد قانونی ذیل براساس رأی دیوان عدالت اداری کشور شده‌اند:

ماده۱۸ مربوط به فعالیت بانک‌های خارجی، ماده۲۸ درخصوص تأسیس و فعالیت شرکت‌های بیمه‌ای خارجی، ماده۲۹ در ارتباط با فعالیت بورس و در نهایت ماده۱۴ که به حذف معافیت مالیات بر حقوق پرسنل و فعالین اقتصادی سطح مناطق آزاد منجر شده است. در پایان باید تصریح کرد:

♦**اولاً:** در آغاز دهه ۷۰شمسی، هنوز کشور وارد ارتباط با مدل‌های جدید مراودات اقتصاد جهانی نشده بود؛ یعنی همچون الگویی که هم‌اکنون در برخی نقاط مرزی کشور درحال اجرا می‌باشد، کالاها و محصولات مصرفی کشور صرفا از طریق قاچاق وارد کشور می‌شدند. این درحالی است که با تکیه بر مزایا و معافیت‌های قانونی مناطق آزاد ظرف مدت کوتاهی شرکت‌ها و برندهای بین‌المللی تولید و عرضه‌کننده کالا‌های مختلف مجبور به ادای احترام به مصرف و تولیدکننده ایرانی از طریق ثبت شرکت در مناطق آزاد نسل اول (کیش، قشم و چابهار) شدند تا در قبال ورود رسمی و قانونمند به بازار ایران، موظف به اجرای تعهداتی همچون ارائه محصول باکیفیت و خدمات پس از فروش باشند؛ درواقع مدل جدید حضور شرکت‌های خارجی در کشورمان بعد از انقلاب اسلامی از دروازه مناطق آزاد در سطح کشور تعمیم یافته و به یک رویه معمول تبدیل شد. ♦**ثانیاً:** حذف معافیت بر حقوق شاغلین در مناطق توسط دیوان عدالت اداری منجر به افزایش هزینه سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد بر اثر افزوده شدن پرداخت مالیات به هزینه‌های اجرای هر نوع فعالیت اقتصادی شده است و این یعنی کنار ۹درصد ارزش افزوده، چه دستاوردی در حوزه عمل به اهدافی اقتصاد مقاومتی را به همراه دارد؟! ♦**ثالثاً:** اولین بازخورد ممتد در تئوع قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مختلف ظرف این مدت به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛ عدم اعتماد به آینده درخصوص حاکمیت و ضمانت اجرای قانون

دوشنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۴۰۲ – ۱۴ آگوست ۲۰۲۳ – شماره ۲۳۸ | **اقتصاد آزاد**

در سطح مناطق آزاد ایران است. به عبارتی کسی در منطقه آزادی که هر روز و هر ساعت در آن هر نهاد اجرایی و قانونگذاری آن کشور، رأی به صدور و اجرای قانون جدیدی می‌دهد، حضور پیدا نمی‌کند؛ چراکه به اجرای همین قانونی که براساس آن قرار داد همکاری با سازمان منطقه آزاد امضاء کرده، آمیدی نیست.

♦**رابعا:** در مباحث قانونی صدراالاشاره، عدم اجرا از سوی سازمان منطقه آزاد، جدی نگرفتن لزوم تعهد به قانون در قبال سرمایه‌گذار، عدم هماهنگی میان دبیرخانه شوراییالی و سازمان‌های مناطق آزاد، نبود و کمبود نیروی متخصص آشنا به سازوکار، الزامات و گفت‌مان حاکم بر مفهوم و نهادی همچون منطقه آزاد، تا فراورایت دبیرخانه شوراییالی در گذشته که براساس آن مناطق آزاد ادارات کل دبیرخانه محسوب شده و در قبال توافق‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های آن دبیرخانه متعهد به اجرا می‌بودند و رفتار اعضای شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در قبال اجرای قانون، زمینه را برای رفتار مشابه از سوی سایر قوا و ارگان‌ها فراهم نموده است.

♦**خامساً:** مجموعه عدم اجرای قوانین، تسری قوانین سرزمین اصلی به مناطق آزاد، عدم تمکین به معاهدات بین‌المللی امضاء شده از سوی دولت ایران و در نهایت غلبه منازعات و رقابت‌های سیاست‌ورزان ایرانی در عرصه مناطق آزاد، در کنار تحریم‌های بین‌المللی حاکم بر ایران و ایرانی، ریسک سرمایه‌گذاری در این مناطق را در مقایسه با مناطق آزاد کشورهای همجوار ایران اسلامی، ص‌دربار افزایش می‌دهد، و آن می‌شود که هم‌اکنون شاهد آن هستیم!

تعامل با بخش خصوصی جهت

تصمیم‌سازی‌های کلان در مناطق آزاد

مناطق آزاد، میراث اقتصادی مهمی است که از عقلای علم اقتصاد در ازمنه گذشته به جهان امروز به ارث رسیده و قدمتی شاید ۲هزار ساله داشته باشد. در طی قرون و اعصار، شکل این مناطق دچار تغییرات شگرفی گردیده، ولی ذات و ماهیت اصلی آن که همان تجارت آسان است، همچنان باقی است.

در یکصد سال گذشته و با پیشرفت علوم و فنون و تجهیزات و تغییر ماهیت دولت و علم اقتصاد، باز هم شاهد دگرگونی در چگونگی تشکیل و سازماندهی مناطق آزاد در نقاط مختلف دنیا بودیم، ولی ذات و ماهیت این مناطق همچنان باقی مانده است.

کشور ما نیز پس از انقلاب اسلامی به‌ویژه با پایان جنگ تحمیلی از مناطق آزاد بهره‌مند گردید؛ در نقاط مختلف سرزمین پهناورمان خصوصاً در شمال و جنوب این مناطق گسترده شد؛ قوانین خاص برای مناطق وضع شد و هزاران نفر ساعت کار مطوف برنامه‌ریزی و تدوین قوانین گردید. تشکیلات عریض و طویل اداری و دولتی و هزاران نفر پرسنل با تخصص‌های مختلف به‌کار گرفته شدند تا چه شود؟ چه رفتی ایجاد شود و چه اشتغالی به‌وجود آید؟!

این معادله دو طرف داشت؛ یک طرف حکومت و دولت و یک طرف مردم. مردم و یا همان بخش خصوصی برای توسعه و رونق مناطق به خوبی به وظیفه خود عمل کردند. دلیل آن هم وجود هزاران واحد تولیدی، صنعتی، تجاری، خدماتی، فرهنگی و گردشگری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است. یعنی مردم به حکومت و دولت‌ها در طی سال‌های مدید اعتماد کردند و به این باور رسیدند که می‌شود روی حرف دولتمردان و قانونگذاران و نگهبانان قانون حساب کرد.

اما متأسفانه در سستی که دولت‌ها قرار گرفتند، کارنامه بسیار ضعیفی از خود نشان دادند. ضعف سیستم تخصصی در دبیرخانه شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در دولت‌های قبل که به عنوان هماهنگ کننده مناطق آزاد و فعالین اقتصادی و دولت، ماهیت وجودی داشت، موجب تضعیف بنیان‌ها و قوانین مادر و اصلی وضع شده از سوی مجلس گردید و نتوانست سایر ارکان دولت و قاجاچیان حرفه‌ای شده و با استخدام بعضی افکار و عقاید که بعضاً در جایگاه‌های مختلف دولتی جا خوش کرده‌اند، مناطق آزاد را محل قاچاق کالا و فرار مالیاتی و ده‌ها تهمت و افترا دیگر نموده‌اند و در پاره‌ای امور، صدا و سیمای ملی هم نماد یک همگرایی اقتصادی مابین دولت و مردم را آماج حملات خود قرار می‌دهد. متأسفانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در کرد و غبار فضای ایجاد شده در طی سال‌های گذشته و حال حاضر، نتوانستند تصمیمی درست و منطقی با رعایت منافع ملی اتخاذ نمایند.

نتیجه اینکه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی که طی سال‌های طولانی به دولت و نهادهای حکومتی اعتماد نموده و سرمایه خود را وارد این مناطق کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که شاید اعتماد آنها اشتباه بوده است. بخش خصوصی مناطق آزاد در کوران سختی‌ها و مشکلات دست و پا زده و عموماً در فکر نجات خود از این خصمه یا حداقل حفظ سرمایه‌های خود هستند. به نظر می‌رسد برای جبران این سختی‌ها و برون‌رفت از این مشکلات، راه طولانی و سختی را در پیش داریم و برای تحقق آن باید چند تصمیم مهم و قاطع اتخاذ نمود که به چند مورد به اختصار اشاره می‌نماییم:

۱) برای تصدی مسئولیت‌های مربوط به مناطق آزاد، از اشخاصی استفاده شود که تجربه عملی در امور اقتصادی و مدیریتی داشته و در رشته‌های معینی از علوم تحصیلکرده و متناسب با دانش و تخصص خود به مسئولیت گمارده شوند.

۲) تصدی مسئولیت‌ها و چگونگی ارتقاء یا تنزل مقام، تابع شرایط و مقررات سختی باشد که هر مدیری نتواند مطابق با میل و سلیقه خود اشخاص را جابه‌جا کند؛ بلکه جابه‌جی‌ها براساس شایستگی‌ها باشد. ۳) معاونت یا مشاور تخصصی با مسئولیت فردی از بخش خصوصی منتخب فعالین اقتصادی کلیه مناطق آزاد در دبیرخانه ایجاد شده و برای تصمیم‌گیری‌های کلان و تأثیرگذار به فعالیت بخش خصوصی از نظرات وی استفاده شود.

۴) بخش خصوصی می‌بایست تشکیلات و صنوف خود در مناطق آزاد را بیش‌ازپیش تقویت نموده و با هماهنگی و همگرایی مابین خود و سازمان‌های مناطق، باید بتواند وظایف مهمی را برعهده گرفته و از خود بیشتر حفاظت نماید.

۵) و مهم‌تر از همه آن‌که، برای دفاع از جایگاه بخش خصوصی و مناطق آزاد، دبیر شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی باید در جلسات هیات دولت حضور داشته تا بتواند از حقوق فعالین اقتصادی مناطق آزاد دفاع نماید؛ که بی‌تردید این امر مستلزم ارتقاء جایگاه دبیرخانه و همچنین مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به معاونت ریاست جمهوری است.

روش‌های نوین تامین منابع مالی به منظور تسهیل در توسعه اقتصادی مناطق آزاد

گزارش:

پویا جیلوند

کارشناس مسائل اقتصادی

با عنایت به ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی درخصوص سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در راستای انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته، گسترش تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج تعیین گردیده‌است. همچنین، براساس ماده(۱) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران، هدف از ایجاد این مناطق: «تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی» می‌باشد.

از این‌رو، انجام رسالت و اهداف تعیین شده نیاز به منابع درآمدی و مالی پایدار دارد. همان‌گونه که قانونگذار در ماده۱۷، فصل سوم بودجه و منابع مالی درآمد قوانین و مقررات مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را تعیین نموده است، منابع مالی سازمان‌های مناطق آزاد شامل: بودجه هزین‌های، طرح‌های عمرانی و اعتبارات عمومی دولت و کمک منظور شده در قوانین بودجه سنواتی و یا وجوه درآمدها و دیگر وجوه حاصل از تسویه مطالبات سنواتی، مانده بودجه مصرف نشده سال‌های قبل و سایر منابع و هدایا و کمک‌های مردمی و تسهیلات بانکی می‌باشد.

با در نظر گرفتن و تحقق اهداف و ماموریت‌های محول شده، ضرورت تامین منابع مالی در مناطق آزاد بیش‌ازپیش حائز اهمیت می‌باشد.

ایجاد مناطق آزاد به منظور تسهیل در توسعه اقتصادی، سال‌هاست که در ایران موردتوجه بوده است و برای این منظور تامین نیازهای سرمایه‌گذاری در این مناطق به‌ویژه تامین نیازهای مالی، ضروری است. بر مبنای یکی از بدیهی‌ترین اصول اقتصاد کسب و کار، «سرمایه» نیروی محرکه اولیه هر کسب و کاری محسوب می‌گردد و به فرض وجود سایر عوامل، فقدان سرمایه کافی، مانع از به حرکت درآمن چرخ‌های اقتصاد خواهد شد. به همین دلیل سرمایه از اهمیت بسزایی در فرآیند توسعه همه‌جانبه برخوردار است.

ارتباط ساختار تامین مالی اقتصاد و بازار سرمایه

در ابتدا لازم است به بررسی ارتباط ساختار تامین مالی اقتصاد و بازار سرمایه و الزامات آن بپردازیم. اهمیت توسعه بخش مالی و در پی آن افزایش تامین مالی در مناطق آزاد، از آنجا نشأت می‌گیرد که بخش مالی کارآمد، نقش اساسی در تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری، تشویق برای ورود و تجهیز سرمایه خارجی و همچنین بهینه‌سازی سازوکار تخصیص منابع ایفا می‌کند و نظام مالی توسعه یافته در مناطق آزاد، با تامین مالی مناسب برای بخش حقیقی اقتصاد، فرصت‌های مناسبی را برای رشد و توسعه اقتصادی به‌وجود می‌آورد. ساختار سرمایه بنگاه‌های اقتصادی و چگونگی ترکیب تامین مالی بین بازار بدهی و بازار سرمایه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. تصمیمات ساختار سرمایه از ریسک هزینه تامین مالی و فراهم نمودن بازدهی متناسب با آن اثر می‌پذیرد. از این‌رو، طراحی ابزارهای نوین مالی با استفاده از ظرفیت بازار سرمایه جهت افزایش سرمایه و تامین مالی به هنگام همراه با کمترین هزینه ضروری به نظر می‌رسد.

فرآیند ایجاد و جمع‌آوری و افزایش منابع مالی جهت تخصیص برای تامین مخارج فعالان اقتصادی، تامین مالی نامیده می‌شود. از حوزه‌های تشکیل‌دهنده نظام تامین مالی می‌توان به بانک، بازار سرمایه، بیمه، سرمایه‌گذاری خارجی و بودجه اشاره نمود.

در این راستا نظام بانکی، بازار سرمایه و بازار بیمه، سه رکن اساسی بازار مالی را تشکیل داده و بخش عمده‌ای از تامین مالی بخش‌های دولتی و خصوصی را پوشش می‌دهند. به‌طور مشخص بانک‌ها و موسسات اعتباری در قالب اعطای تسهیلات، اوراق مشارکت و از طریق ابزارهای عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی، قرض‌الحسنه، صدور ضمانت‌نامه، اعتبارات اسنادی داخلی و خارجی، فرآیند تامین مالی را ایجاد می‌کند. بازار سرمایه نیز از طریق ابزارهای افزایش سرمایه، پذیرهنویسی، عرضه اوراق مشارکت، معاملات سلف و... در تامین مالی بخش‌های مختلف تولیدی مشارکت می‌نماید.

از آن‌جا که سرمایه جزء اصلی‌ترین عوامل فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود، انباشت آن، یکی از اولویتهای اقتصادی هر کشوری در جهت توسعه و پیشرفت می‌باشد. در بسیاری از کشورها، شیوه تامین منابع مالی موردنیاز فعالیت‌های اقتصادی، بسته به میزان تاکید متقاضیان سرمایه به روی‌آوری به بازار سرمایه یا بانک‌ها متفاوت است. گرایش متفاوت به بازارهای سرمایه و پول در تامین نیازهای مالی، تا حد زیادی از تفاوت ساخت نهادهای مالی کشورها سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، با توجه به اهمیت بازارهای مالی و نقش و کارکرد آنها در اقتصاد، نظام مالی دارای ساختاری مالی «بانک‌پایه» یا «بازارپایه» می‌باشد. در بازارهای مالی دارای ساختار مالی بانک‌محور، بازار پول نسبت به بازار سرمایه، نقش عمیق‌تری را بازی می‌کند و فعال‌تر است و بر نقش مثبت بانک‌ها در رشد و توسعه اقتصادی و نواقص و کاستی‌های نظام بازار پایه تاکید می‌کند.

در بازارهای مالی دارای ساختار مالی بازارپایه، بازار سرمایه نقش فعال‌تر و گسترده‌تری نسبت به بازار پول ایفاء می‌کند. در این نوع ساخت مالی، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای مالی شرکت‌ها از طریق بازار سرمایه تامین می‌شود. در این سیستم، پس‌اندازکنندگان، منابع مالی خود را از خرید انواع اوراق تجاری کوتاه‌مدت یا بلندمدت بخش‌های خصوصی و عمومی به واحدهای متقاضی منابع مالی ارائه می‌کنند. درواقع در این نوع سیستم مالی، نظام تامین مالی مبتنی‌بر روش‌های تامین مالی

مستقیم می‌باشد. به طور کلی در چنین سیستمی، فعالیت بانک‌های سپرده‌پذیر به اعطای وام‌های کوتاه‌مدت و ارائه خدمات بانکداری تجاری محدود می‌شود و بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از طریق بازار سرمایه تامین می‌گردد و لذا، بازار سرمایه در مقایسه با سیستم مالی بانک‌پایه (بانک‌محور) فعالیت وسیع‌تر و گسترده‌تری دارد. بنابراین، در سیستم مالی بازارپایه، بازار سرمایه نقش مهم‌تری ایفا می‌نماید. در این نظام، تعداد زیادی از بازارهای مالی شفاف و چندلایه مانند بورس اوراق بهادار و بازارهای اوراق قرضه شرکتی و... دامنه گسترده‌ای از ابزارهای موردنیاز آحاد مختلف اقتصادی را فراهم می‌آورد.

تنوع انواع مختلف ابزارها و نهادهای مالی و چگونگی ارتباط میان این نهادها در بازارهای مالی، موجبات تسهیل ارتباط میان متقاضیان و عرضه‌کنندگان منابع مالی در یک سیستم اقتصادی را به‌دنبال دارد و به تخصیص بهینه منابع در پروژه‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. از این‌رو، برقراری ارتباط میان بانکی و بازار سرمایه، می‌تواند یکی از راهکارهای مناسب جهت تعمیق بازارهای مالی و دستیابی به رشد سریع اقتصادی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی باشد. این امر در تجهیز و تخصیص منابع و رفع کمبودها در زمینه تامین مالی مناطق آزاد کمک شایانی نموده و تا حدود زیادی، بار مالی بخش‌های مختلف اقتصادی را در تجهیز و تخصیص درست منابع به بخش‌های گوناگون اقتصادی کاهش می‌دهد و رشد اقتصادی مناطق آزاد را به‌دنبال خواهد داشت.

در بازار سرمایه (بازار مالی بلندمدت) معمولاً اسناد بلندمدت یا با سررسید بیش از یک‌سال عرضه و تقاضا می‌شود. همچنین، بازارسرمایه را می‌توان، مجموعه‌ای از بازارهای گوناگونی دانست، که در آن بنگاه‌های تجاری به عنوان واسطه، در موضوعات مخصوص تخصص یافته‌اند و بدین منظور سرمایه درازمدت موردنیاز می‌باشد. این بازار متشکل از نهادهای مالی نظیر: بانک‌های سرمایه‌گذاری، بورس اوراق بهادار، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و... می‌باشد. مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده در بازار سرمایه شامل: اوراق قرضه، سهام و سایر انواع اوراق بهادار درازمدت یا سررسید بیش از یکسال است. بازار سرمایه به عنوان یکی از رکن‌های بازارهای مالی، نقش بسزایی در تجهیز امکانات مالی و سرمایه‌ای به منظور رشد و توسعه اقتصادی مناطق آزاد دارد.

با در نظر گرفتن این واقعیت که پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصاد حیاتی هستند، بازار سرمایه پلی است که پس‌انداز واحدهای اقتصادی دارای مازاد را به واحدهای سرمایه‌گذاری که بدان نیازمند هستند، انتقال می‌دهند. بنابراین بازار سرمایه، واحدهای پس‌اندازی و سرمایه‌گذاری را به یکدیگر ارتباط می‌دهد. از این‌رو بازار سرمایه، پلی می‌باشد که همچون یک واسطه، پس‌انداز هر واحد اقتصادی را به واحدهای اقتصادی نیازمند منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری انتقال می‌دهد. اهمیت بازارهای سرمایه در نظام مالی اسلامی از این واقعیت ناشی می‌شود که، اسلام بهره‌ر ممنوع و تجارت را تشویق کرده است. بازار سرمایه با ایجاد تنوع در ابزارهای مالی، منابع مالی موردنیاز واحدهای تولیدی را تامین می‌کند و امکانات لازم برای انتقال وجوه، پس‌اندازهای مردم را به فرصت‌های سرمایه‌گذاری فراهم ساخته و نقل و انتقال اوراق بهادار موجود را تسهیل می‌کند.

بازار سرمایه دارای دو بخش اساسی، بازار اولیه و بازار ثانویه است. بازارهای مربوط به مطالبات مالی به تازگی انتشار یافته، بازارهای اولیه می‌باشند. بازارهای مربوط به مطالبات مالی استفاده شده، بازارهای ثانویه هستند. عملکرد بازار ثانویه سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران دارای اهمیت بسیاری است. درحالی که، بازار اولیه مستقیماً بر عرضه وجوه برای سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد؛ بازار ثانویه همین کار را به طور غیرمستقیم انجام می‌دهد. در نتیجه، بازار اولیه صرفاً فرآیند سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کند و فلسفه وجود بازار ثانویه ایجاد و تضمین نقدینگی می‌باشد؛ زیرا افراد و شرکت‌های سرمایه‌گذار با این امید اقدام به خرید اوراق بهادار می‌کنند که بتوانند در زمان دیگری با فروش آنها در بازار ثانویه به پول و نقدینگی دست یابند.

شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری که برای تامین سرمایه خود نمی‌توانند منابع کافی از محل پس‌اندازهای خود (سود انباشته و استهلاک) فراهم نمایند و با کسری وجوه روبه‌رو می‌شوند که می‌توانند کسری خود را از یکی از راههای زیر تامین کنند:

الف) انتشار سهام عادی و ممتاز (ابزارهای مالکیتی)
ب) انتشار اوراق قرضه (ابزارهای بدهی بلندمدت)
ج) استقراض از بازار پول (توسط ابزارهای بدهی کوتاه‌مدت)
به این روش‌ها، تامین‌مالی بیرونی می‌گویند. بورس اوراق بهادار نیز از آن‌جا که محل معامله اغلب ابزارهای مالکیتی یا حقوق صاحبان سهام نظیر سهام عادی و ممتاز و مشتقات آنها است، بازار سرمایه محسوب می‌شود. به دلیل اهمیت تامین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی در مناطق آزاد، بازار سرمایه کشور باید ضمن اتخاذ سیاست‌های صحیح و اصولی در تعامل مستقیم با بنگاه‌های اقتصادی و سیاستگذاران این حوزه، از یکسو مزیت رقابتی خود را حفظ کرده و از سوی دیگر، باعث تسهیل جریان‌های اقتصادی و تامین مالی در بخش‌های اقتصادی مرتبط شود.

در بازار سرمایه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی می‌توانند تامین مالی کنند و به‌راحتی منابع موردنیاز خود را به دست آورده و در جهت توسعه پروژه‌های زیرساخت، عمرانی، خدمات، صنعتی، گردشگری و تولید و توسعه صادرات قدم‌های اساسی را بردارند که این مهم خود موجب افزایش اشتغال و تولید در این مناطق می‌شود و هم قیمت‌ها را می‌تواند متعادل کند.

در مجموع می‌توان گفت، بازار سرمایه دارای بالاترین پتانسیل برای رسیدن به ارکان اقتصاد مقاومتی اعم از حمایت از تولید ملی، فعال شدن واحدهای کوچک و متوسط، مدیریت منابع ارزی، تشویق سرمایه‌گذاری

گزارش

بررسی راهکارهای مختلف تامین مالی جهت ایجاد درآمدهای پایدار در مناطق آزاد ایران:



خارجی، شفافیت اطلاعات و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، استفاده حداکثری از منابع، کاهش وابستگی به نفت است و با بازار سرمایه می‌توان به این اهداف اصولی و منطقی نائل شد.

استفاده بیشتر از مکانیزم عملکردی بازار سرمایه در تجهیز و تخصیص منابع مالی، تاثیر مستقیم بر تشکیل سرمایه، میزان سرمایه‌گذاری، ساختار تولیدی کشور، حجم تولید ناخالص ملی و نهایتاً توسعه اقتصادی کشور خواهد داشت. همچنین استفاده از بازار سرمایه برای تامین مالی مخارج دولت نیز از متداول‌ترین شکل مبادلات مالی است. اتکالی دولت‌ها به بازار سرمایه در اغلب اقتصادهای مدرن نه تنها از این جهت مهم است که دولت‌ها غالباً اوراق قرضه منتشر می‌کنند تا بخش عمده هزینه‌های خود را تامین مالی نمایند، بلکه استقرار دولت غالباً حجم عظیمی از کل وجوه عرضه شده در بازار توسط وام‌دهندگان را جذب می‌کند. این امر خود بستر لازم برای جلوگیری از رشد بی‌رویه نقدینگی که در صورتی به شکل بهینه در امر تولید وارد نشود، منجر به ایجاد تورم می‌شود. بنابراین تامین مالی دولت از طریق بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) ضمن این‌که اثر تورمی در پی ندارد، می‌تواند به عنوان سیاستی در جهت افزایش طرف تقاضای اقتصاد عمل نماید.

ازجمله مهم‌ترین مزایای بازار سرمایه (بازار سهام) در تامین منابع مالی موردنیاز سرمایه‌گذاری این است که اولاً پایه پولی را افزایش نمی‌دهد و ثانیاً نقدینگی‌های سرگردان را که باعث فشارهای تورمی در جامعه می‌گردد، در مسیرهای مولد کاتالیزه می‌کند. بنابراین یکی از لوازم توسعه کشورها علی‌الخصوص کشورهای درحال توسعه که تا حدودی با شرایط تورمی روبه‌رو هستند، گسترش و تعمیق بازار سرمایه جهت تامین مالی موردنیاز سرمایه‌گذاران می‌باشد. درواقع بازار سرمایه به دلیل دارا بودن بازار ثانویه، از مقبولیت بالاتری برای دارندگان منابع مازاد جهت سرمایه‌گذاری برخوردار است. به این صورت که دارندگان منابع مازاد در صورت سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه از طریق خرید اوراق بهادار به ابزارهایی با قدرت نقدینگی بالاتری نسبت به سایر روش‌های سرمایه‌گذاری دست خواهند یافت که این امر علاوه‌بر دارا بودن مزایایی متعدد برای دارندگان منابع مازاد (نقدینگی بالا)، به سرمایه‌گذاران در دستیابی به منابع مالی بلندمدت جهت سرمایه‌گذاری و رونق فعالیت‌های تولیدی و خدماتی خود کمک می‌کند.

بازار سرمایه با داشتن شرایط مشخصی برای تامین مالی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران نسبت به سایر روش‌های تامین مالی (از طریق نظام بانکی) از مزایایی برخوردار است. درواقع ورود یک شرکت به بازار سرمایه نیازمند یکسری الزامات ازجمله افشای به موقع اطلاعات مالی، اصلاح صورت‌حساب‌های مالی، شفافیت عملکرد و غیره می‌باشد که این امور زمینه‌افزایش تخصیص بهینه منابع را فراهم می‌کند. به این صورت که شرکتی که خواهان تامین مالی از طریق بازار سرمایه است با رعایت الزامات ورود به بازار سرمایه از تحق یکسری از مشکلات تامین از طریق روش‌های دیگر ازجمله کُزگزینی و کُزمنشی، جلوگیری می‌کند. به این صورت که کاهش این ریسک‌ها در بازار سرمایه به این صورت است که، شرکتی که اقدام به تامین مالی از طریق بازار سرمایه نموده است، در صورتی که با ریسک‌های اعتباری و... مواجه شود، با افت قیمت سهام و اوراق منتشره مواجه خواهد شد که این خود سبب کاهش ارزش اعتباری شرکت و در بلندمدت خروج شرکت از فضای رقابت با سایر شرکت‌ها برای تامین مالی می‌شود که در بلندمدت احتمال ورشکستگی شرکت افزایش می‌یابد.

بنابراین وجود بازار سرمایه با کارایی بالا در امر تامین مالی با کاهش ریسک‌های تامین مالی، زمینه را برای تخصیص بهینه منابع مالی که منجر به دستیابی به رشد اقتصادی پایدار خواهد شد را فراهم می‌کند. با توجه به مزایای بازار سرمایه، طراحی ابزارهای نوین مالی جهت افزایش سرمایه و تامین مالی هرچه سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر، استفاده از ظرفیت اوراق مشارکت، سکوک و سایر اوراق موجود از مهم‌ترین ظرفیت‌های بازار سرمایه است.

بازار سرمایه با توسعه بورس‌های مختلف (بورس اوراق بهادار، بورس کالا، بورس انرژی، بورس ایده)، نهادهای مالی مختلف (شرکت‌های تامین سرمایه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و...)، ابزارهای متنوع تامین مالی و پوشش ریسک (سهام، حق تقدم، اجاره، مزارجه و...) و توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری توانسته نقش مهمی در جذب مشارکت حداکثری آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و تامین مالی در کشور ایفا نماید. از نظر اقتصادی، بازار سرمایه، منابع مالی موردنیاز بنگاه‌های اقتصادی را فراهم می‌کند و اگر به انواع ابزارهای مالی که از نظر زمان، ریسک و نیازهای مشتریان که متنوع‌اند، مجهز باشد، شرکت‌ها با انتشار انواع اوراق بهادار قابل معامله می‌توانند به تامین مالی بازارها بپردازند.

با گسترش بازار سرمایه، بانک‌های تجاری و بازار پول مجبور نیستند که با اعطای اعتبارات بلندمدت و پرریسک، به نقدینگی خود فشار آورند. در این بازار، ابزارهای تامین مالی مانند سهام عادی، سهام ممتاز، اوراق مشارکت، اوراق قرضه، اوراق بهادار قابل تبدیل و ابزارهای مالی مشتقه و ترکیبی، مورد معامله قرار می‌گیرند؛ به‌گونه‌ای که با انتشار هر یک از ابزارهای فوق، پس‌اندازهای مردم به سمت سرمایه‌گذاری‌های موردنیاز کشور هدایت می‌شوند. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که یک بازار سرمایه کارا، باید بتواند امنیت مالی پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را فراهم آورد و منابع مالی را به نحو بهینه به متقاضیان سرمایه تخصیص دهد و با انجام تامین منابع مالی درازمدت و مدیریت خطرپذیری و ریسک، نقش بسزایی را در کاهش بی‌اطمینانی در بازارهای مالی و همچنین، افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها، به‌ویژه در فعالیت‌های بلندمدت اقتصادی داشته باشد و از این‌رو، با فراهم آوردن انگیزه‌های قوی پس‌اندازها، تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری در مقایسه با دیگر شیوه‌ها، زمینه را برای تجهیز سرمایه‌های داخلی و خارجی مهیا می‌کند.

در هر نظام اقتصادی، نقش بازار سرمایه در تامین نیازهای مالی فعالیت‌های اقتصادی قابل ملاحظه است و ناتوانی در حفظ انسجام این بازار، سازوکار تخصیص صحیح منابع (تخصیص سرمایه) را با مشکل جدی مواجه می‌کند و در نهایت کاهش رشد اقتصادی را به‌دنبال دارد. به همین دلیل، می‌توان گفت که وجود بازار سرمایه متشکل، فعال و عظیم نسبت به تولید ناخالص ملی، در چارچوب فرآیند و مکانیزم مشخص، در نهایت رشد و تولید ناخالص ملی و در نتیجه افزایش توان اقتصادی و کنترل عوامل نامطلوب اقتصادی یک کشور را موجب می‌شود.

سرمایه‌گذاری در امور مختلف توسط شرکت‌ها همواره به عنوان یکی از راه‌های مهم توسعه شرکت‌ها و جلوگیری از رکود و عقب‌ماندگی مورد توجه بوده است. در این میان، محدودیت در منابع موجب شده است که علاوه‌بر توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش کارایی سرمایه‌گذاری از اهمیت فراوانی برخوردار گردد. به طور مفهومی، کارایی سرمایه‌گذاری زمانی حاصل می‌شود که شرکت تنها در تمام پروژه‌های با ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری کند. البته این سناریو در صورتی سازگار است که بازار کامل باشد و هیچ یک از مسائل بازار ناقص ازجمله گزینش نادرست و هزینه‌های نمایندگی وجود نداشته باشد.

نوسان‌های بازار ممکن است به انحراف از سرمایه‌گذاری بهینه شرکت منجر شوند که خود را در سرمایه‌گذاری بیشتر از حد یا کمتر از حد نشان می‌دهند. حداقل دو معیار نظری برای تعیین کارایی سرمایه‌گذاری وجود دارد:
♦ اول اینکه، شرکت‌ها نیاز دارند تا به منظور تامین مالی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، منابع را جمع‌آوری نمایند. در یک بازار کارا، کلیه پروژه‌های دارای ارزش فعلی خالص مثبت باید تامین مالی شوند؛ اما پژوهش‌های زیادی در حوزه مالی موبد این مطلب می‌باشد که محدودیت‌های مالی، توانایی مدیران را برای تامین مالی محدود می‌سازد؛ در نتیجه شرکت‌هایی که با محدودیت تامین مالی مواجه هستند، ممکن است به‌دلیل هزینه زیاد تامین مالی، از قبول و انجام پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت صرف‌نظر کنند که این منجربه سرمایه‌گذاری کمتر از حد می‌گردد.

♦ دوم اینکه، اگر شرکت تصمیم به تامین مالی بگیرد، هیچ تضمینی وجود ندارد که سرمایه‌گذاری صحیحی انجام شود، به عنوان مثال مدیران ممکن است با انتخاب پروژه‌های ضعیف، موجب سرمایه‌گذاری بیشتر از حد گردد. نتوانی نمایندگی نیز به جنبه «سرمایه‌گذاری بیشتر از حد» می‌پردازد که براساس آن تضاد مدیران و سهامداران شکل می‌گیرد؛ مدیران تمایل دارند اندازه شرکت را بزرگ کنند، گرچه مجبور باشند پروژه‌های ضعیف را پذیرفته و ثروت سهامداران را کاهش دهند. اگر جریان‌های نقدی مازاد در دست نباشد، توانایی مدیران در رسیدن به این هدف محدود شده، ولی این محدودیت می‌تواند با تامین مالی از طریق بدهی برطرف شود. متعاقب آن، مدیر باید اصل این بدهی‌ها را باوجه نقدی پرداخت کند که قرار بود در پروژه‌های ضعیف به‌کارگرفته شوند.

سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، پیامدهای مخربی در سطح یک بنگاه اقتصادی و در سطح اقتصاد یک کشور دارد. مسئله سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، موجب کاهش کارایی سرمایه‌گذاری در سطح شرکت شده و اقتصاد را ملتهب و متورم می‌کند و به شدت به منافع سهامداران آسیب می‌رساند و منجر به توسعه ظاهری اقتصاد کلان می‌شود که یکی از مسائل اصلی در شرکت‌های بزرگ به‌شمار می‌آید. هدف از تامین مالی، سرمایه‌گذاری، سودآوری، کاهش ریسک و برطرف کردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی بنگاه است. سود ناشی از کسب و کار بنگاه، از عوامل مهم تداوم فعالیت بنگاه اقتصادی تلقی گردیده و منبع مهمی

برای تامین مالی فعالیت‌های عملیاتی بنگاه در آینده است. از نگرانی‌های بنگاه‌های اقتصادی در جهان، تامین منابع مطلوب مالی می‌باشد. هر نوع فعالیت نیاز به منابع مالی دارد. از این‌رو، منابع مالی را به شرین حیاتی بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌های کوچک و بزرگ تشبیه کرده‌اند و در حقیقت، هدف اصلی از هر نوع فعالیت اقتصادی سودآوری است و کسب سود بدون وجود منابع مالی امکان‌پذیر نمی‌باشد. ساختار سرمایه، تامین مالی دائمی شرکت است که با اوراق بدهی بلندمدت، سهام مشترک و ارزش خالص بیان می‌شود. تعریف دیگری از ساختار سرمایه شامل تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت، استفاده بهینه از اهرم زمان‌بندی قیمت‌گذاری و همچنین تعیین سطح قابل قبول ریسک و نقدینگی است.

بنابراین ساختار سرمایه همان شکل چگونگی تامین سرمایه است. برخی عوامل مهمی که بر تصمیمات ساختار سرمایه تاثیر می‌گذارد، عبارتند از:

۱) تامین سرمایه مالی از دیگران در مقایسه با سهامداران که به آن اهرم مالی می‌گویند؛

۲) ویژگی شرکت یا بنگاه از قبیل اندازه شرکت یا بنگاه، شکل واحد تجاری، ثبات درآمد، ساختار دارایی، فرصت رشد شرکت یا بنگاه، موقعیت اعتباری و رفتار مدیریت؛

۳) نوع تامین مالی.

تاثیر تامین مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری

تاثیر تامین مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی، یکی از موضوعات اساسی در مدیریت مالی است. تامین مالی و سرمایه‌گذاری دو روی یک سکه هستند. وجوه حاصل از منابع مالی، صرف سرمایه‌گذاری می‌شود.

به‌طور کلی برای تامین مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی سه منبع اصلی وجود دارد:

۱) وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی (سود عملیاتی)؛
۲) وجه نقد حاصل از سرمایه‌گذاری جدید (سهام)؛

۳) گرفتن وام از بانک یا سایر اعتباردهندگان (بدهی).

تامین سرمایه از طریق بدهی می‌تواند از سایر روش‌های تامین مالی ارزان‌تر باشد و اغلب یکی از عناصر مهم ترکیب سرمایه تلقی می‌شود. هزینه تامین مالی از طریق بدهی به دو دلیل کمتر از هزینه تامین مالی از سایر روش‌ها می‌باشد:
♦ اول اینکه نرخ بازده حاصل از سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه با وام قابل پیش‌بینی است.

♦ دوم، هزینه بهره مربوط به وام با بدهی یک هزینه قابل قبول مالیاتی است.

یک مزیت تامین مالی از طریق بدهی، به‌ویژه هنگامی که نرخ‌های بهره پایین باشد، این است که سود حاصله از تامین مالی از طریق وام، به سهامداران موجود پرداخت می‌شود. مزیت دیگر، آن است که شرکت متعهد به افزایش دائمی وجوه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت نمی‌باشد؛ چراکه این‌طرح بدهی پرداخت خواهد شد. نظریه سلسله مراتبی، از نظریه‌های مرتبط با گزینش بدهی و سهام در ساختار سرمایه است و بیان می‌کند که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در تامین مالی موردنیاز خود، سلسله مراتب معینی را طی می‌کنند. شکل‌گیری سلسله مراتب، نتیجه یا پیامد عدم‌تقارن اطلاعات است. در مواردی که بین مدیران و سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی، عدم‌تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد، مدیران، تامین مالی منابع داخلی شرکت را به منابع خارج از شرکت ترجیح می‌دهند؛ یعنی ابتدا از محل سود انباشته و اندوخته‌ها تامین مالی می‌کنند و سپس اگر منابع داخلی تکافو نکند، از منابع خارج شرکت، ابتدا به انتشار کمرسبک‌ترین اوراق بهادار یعنی اوراق قرضه (استقراض) متوسل می‌شوند و در صورتی که استقراض کافی نباشد یا به منابع مالی بیشتری نیاز باشد، دست آخر به انتشار سهام مبادرت می‌ورزند. مدیران شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی با افزایش منابع تامین مالی درون شرکتی به دنبال کاهش ریسک شرکت هستند و مدیرانی که از اهرم نسبی بیشتری استفاده می‌کنند، با هزینه پایین‌تر تامین مالی بدهی و قراردادهای محدودکننده کمتری مواجه هستند. مدیران باید نوع تامین مالی کلیه شرایط شرکت ازجمله نقدشوندگی سهام شرکت را نیز درنظر بگیرند. مدیرانی که اقدام به تامین مالی با هزینه سرمایه بالا بدون درنظر گرفتن شرایط تامین می‌کنند، با سرمایه‌گذاری‌های نرسید نشده، دارایی‌های بدون استفاده و اسقاط بدهی‌های سررسید شده‌ای مواجه می‌شوند که وجه نقدی برای پاسخگویی به آنها ندارند؛ لذا توانایی آنها در اداره امور کاهش خواهد یافت.

سختن آخر

درحال حاضر فعالیت سازمان‌های مناطق آزاد در حوزه تامین منابع مالی و خلق درآمدهای نوین در راستای جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید محدود است و با توجه به فضای کسب و کار و ظرفیت‌های موجود در این مناطق، می‌توانند از ساختاری منسجم‌تر و یکپارچه‌تر در حوزه اقتصادی برخوردار باشند که بی‌تردید منجر به کاهش هزینه و افزایش درآمد خواهد شد.

از سوی دیگر، با پراکندگی و پیچیدگی محیط اقتصادی کشن، شناسایی زمینه بهینه فعالیت به‌راحتی مقدور نخواهد بود، از همین‌رو می‌توان با تدوین برنامه‌های استراتژی و طراحی ساختار هلدینگ‌های چندرشته‌ای، زمینه ایجاد ارزش و افزایش ثروت را فراهم نمود و از سوی دیگر می‌توان امکان حضور شرکت‌های زیرمجموعه سازمان‌های مناطق آزاد ازجمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه را در بازار سرمایه جهت بهبود شرایط تامین مالی و اوضاع اقتصادی فعلی مهیا نمود.

همچنین با استفاده از برنامه‌های راهبردی، ترکیب دارایی‌ها در متوازن و متنوع نمود و با تربیت نیروی متخصص موردنیاز برای فعالیت‌های اقتصادی از طریق بهره‌مندی از جمعیت جوان مناطق آزاد، زمینه ایجاد اشتغال را فراهم کرد.

امید است بتوان با طراحی جامع و تشکیل، راهاندازی و مدیریت هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، در سال «مهار تورم، رشد تولید» سهمی پررنگ‌تر در توسعه و اعتلای کشور ایفا نمود.



مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم تاکید کرد:

توسعه سرمایه‌های انسانی، یکی از نیازهای آموزشی و پرورشی جزیره قشم



پیغامی اظهار داشت: بین همه دستگاه‌های کشور، بودجه، دستورالعمل و تقسیم کار مشخصی وجود دارد؛ دستگاه‌های اجرایی نمی‌توانند وظایف خود را به گردن سایر دستگاه‌ها بیندازند؛ این‌که نهادهای در تمامی مسائل جزیره از سازمان منطقه آزاد مطالبه کنند، وظیفه ما نیست.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در پایان بر لزوم ارائه گزارشی جامع از سرانه آموزش و پرورش در جزیره و سقف استانی و آورده‌های خیرین در جلسه بعد، تاکید و خاطرنشان کرد: وقتی آورده آموزش و پرورش مشخص شود، ما هم به عنوان یک سازمان اقتصادی، مسئولیت اجتماعی خود را ایفا می‌کنیم.

وی به مشکلات لجستیکی و پشتیبانی درخواست شده از سوی آموزش و پرورش اشاره و تاکید کرد: جای تاسف است که آموزش و پرورش قشم همه مسئولیت‌ها را متوجه سازمان منطقه آزاد می‌داند و از اقدامات خود برای جذب تسهیلات از سوی سایر منابع گزارشی ارائه نمی‌کند.

این مقام‌عالی با اشاره به سرانه پرداختی وزارت آموزش و پرورش برای هر دانش‌آموز گفت: در صورتی که آموزش و پرورش استان با تخصیص تمامی بودجه مصوب سرانه آموزشی به منطقه آزاد موافق کند، حاضریم وظایف آموزش و پرورش شهرستان را تقبل کنیم.



منطقه آزاد قشم متولی حوزه آموزش و پرورش جزیره نیست

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد قشم در ادامه با اشاره به اسناد بالادستی و پایین‌دستی در حوزه آموزش و پرورش تاکید کرد: منطقه آزاد قشم در هیچ سندی به عنوان نهاد پشتیبان آموزش و پرورش معرفی نشده است؛ هرچند که در ۳۰ سال گذشته حمایت‌های زیادی از سوی منطقه آزاد، شهرداری، خیرین و سایر نهادهای صورت گرفته که باعث شده آموزش و پرورش در کلان مدیریت خود و نسبت به منابع، رشد لازم را نداشته و حتی در حوزه تعلیم و تربیت نسبت به سرانه استان پایین‌تر باشد.

پیغامی خواستار ارائه گزارشی جامع از چگونگی استفاده و بهینه‌سازی امکاناتی شد که در ۵۰ سال گذشته از سوی آموزش و پرورش دریافت شده و افزود: در گزارش ارائه شده از سوی شما، سرانه جزیره نسبت به استان پایین‌تر عنوان شده است؛ اگر این طور است، باید در یکی دوسال آینده همکاران استانی بیشتر منابع را به طرف جزیره سوق دهند تا آموزش و پرورش قشم به متوسط استان برسد.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در دیدار با اصحاب رسانه استان مطرح کرد:

تحقق فعال‌سازی پنجره‌های خلق ثروت در استان با تاکید خاص بر قشم با حمایت اهالی رسانه

را برای استان به ارمان بیاورد و بندر تجاری کاوه با داشتن ظرفیت‌های خدادادی همچون عدم‌نیاز به لایروبی، حوضچه آرامش با عمق آن‌خور بسیار بالا، ظرفیتی منحصربه‌فرد برای کل استان هم‌رنگان است.

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در پایان خاطرنشان کرد که برخی مدیران کلان استانی، قشم را در اولویت نمی‌بینند که آسیب آن، متوجه مردم قشم و کل استان می‌شود و از همراهی اصحاب رسانه برای معرفی ظرفیت‌های ویژه قشم و کمک به تولید ثروت در این منطقه و استان تقدیر نمود.

گفتنی است، در ادامه این نشست، تعدادی از پیشکسوتان حوزه رسانه هم‌رنگان و قشم به ایراد سخنانی پرداختند و در پایان از حضور اصحاب رسانه استان با ارائه لوح‌های تقدیر، تجلیل به عمل آمد.

شایان ذکر است، در پایان نشست صمیمی رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم با اصحاب رسانه استان هم‌رنگان، از خانواده شهید محمود صارمی تقدیر شد.

وی همچنین جزیره قشم را پیشران حرکت کل استان دانست و بیان کرد: قشم ویژگی‌های منحصربه‌فردی که تا به حال به آنها پرداخت نشده، فراوان دارد و فعال‌سازی پنجره‌های خلق ثروت در جزیره، به تحول کل استان منجر خواهد شد که نیاز به همراهی اصحاب رسانه دارد.

رئیس هیات مدیره سازمان منطقه آزاد قشم از اقتصاد دریاپایه به عنوان مهم‌ترین اقتصاد خلق ثروت در سال‌های پیش روی یاد کرد و افزود: توسعه اقتصاد دریاپایه می‌تواند حداقل ۲۳ کسب و کار را برای استان خلق کند که اقتصادی تحول‌آفرین نسبت به سایر اقتصادهای موجود است.

پیغامی ادامه داد: جزیره قشم می‌تواند با داشتن بندر تجاری کاوه با توسعه بانکرینگ خود که یک کانون ثروت‌ساز است، به هاب اقتصاد دریاپایه کشور تبدیل گردد.

وی اذعان داشت: فقط سوخت‌رسانی (یک مجتمع خدماتی و رفاهی برای کشتی‌های عبوری) می‌تواند به تنهایی ثروت بزرگی

داشت: خبرنگاران، معلمان برنامه‌های درسی نارسمی کشور هستند که روشنگری اذهان را برعهده دارند.

وی به نقش بزرگ و بی‌بدیل خبرنگاران در جامعه اشاره کرد و افزود: معرفی قشم به عنوان یک جزیره ملی و فراملی که برای خلق ثروت، جزی از استان محسوب می‌شود؛ در گرو تعامل و همکاری بیشتر شما است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، رسانه و ارتباطات را پایه شکل‌گیری روابط انسانی دانست و گفت: آسیب‌شناسی حوزه خبر و رسانه در ایران نشان می‌دهد که حوزه خبر، درگیر حکمت نظری (روایت واقعیت) می‌باشد و لازم است در حوزه حکمت عملی (خلق یک واقعیت) توسعه یابد.

پیغامی خواستار همکاری بیشتر رسانه‌های استان شد و اظهار داشت: دغدغه ما آشنایی بیشتر شما با قشم به عنوان یک فرصت و ثروت مغفول مانده برای استان است و انتخاب مدیر روابط عمومی از سطح استانی، مبتنی‌بر نگاه سازمان به زیست‌بوم هم‌رنگان بوده است.



رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، نقش خبرنگاران در جامعه را بی‌بدیل خواند.

عادل پیغامی در نشستی صمیمی با حضور اصحاب رسانه از سراسر استان هم‌رنگان؛ ضمن تقدیر از جایگاه خبرنگاران در جامعه، بیان

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم مطرح کرد:

بهسازی سامانه‌های کسب و کار جهت سهولت سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد قشم



خاطرنشان کرد: شیلات به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در منطقه آزاد قشم به عنوان نخستین جزیره شیلاتی کشور و منطقه آزاد پیشتاز در کشور، هنوز تا رسیدن به نقطه ایده‌آل مسیر طولانی در پیش دارد که با ایجاد سامانه‌های جدید، این فرآیندها تسهیل می‌گردد.

حوزه‌های مختلف در سازمان منطقه آزاد قشم، با همکاری و هماهنگی دبیرخانه شورایالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی بهسازی می‌شود.

وی ادامه داد: سهولت کارکرد سامانه‌های مختلف در حوزه‌های مربوط به فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاری و افزایش شفافیت و نظارت‌پذیری، به عنوان اولویت سامانه‌های جدید پیش‌بینی شده است.

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم اظهار کرد: درحال حاضر یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی رونق اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، تسری قوانین و دستورالعمل‌های سرزمین اصلی به این مناطق است.

به گفته عظیم‌زاده اردبیلی؛ تسری دادن برخی دستورالعمل‌های مربوط به سرزمین اصلی در مناطق آزاد، موجب از میان رفتن مزیت‌های اقتصادی و در نتیجه کاهش انگیزه تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران خواهد شد.

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم در پایان

قرار گرفته است.

براساس این گزارش، در جلسه کارگروه تخصصی مناطق آزاد کشور، برخی از مدیران دبیرخانه شورایالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی حضور داشتند و مدیران شیلات و کشاورزی سایر مناطق آزاد کشور نیز به صورت آنلاین در آن شرکت کردند.

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری منطقه آزاد قشم: برنامه‌ریزی جهت بازنگری و بهسازی سامانه‌های کسب و کار در منطقه آزاد قشم

معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد قشم از برنامه‌ریزی جهت بازنگری و بهسازی سامانه‌های کسب و کاری این منطقه با هدف سهولت فرآیندهای سرمایه‌گذاری خبر داد.

منصور عظیم‌زاده اردبیلی در دومین روز برگزاری کارگروه تخصصی شیلات مناطق آزاد کشور، اظهار داشت: سامانه‌های کسب و کار

جلسه کارگروه تخصصی شیلات مناطق آزاد کشور در راستای عمل به برنامه راهبردی عملیاتی و همچنین شورای راهبردی اقتصادی مناطق آزاد ابلاغ شده از سوی دبیر شورایالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، در مرکز بین‌المللی رشد قشم برگزار شد.

هدف از برگزاری جلسه این کارگروه تخصصی، نیازسنجی و همپوشانی سیستمی در مراحل و یکسان‌سازی فرآیندهای صدور مجوزهای مربوط به صنایع شیلاتی در مناطق آزاد کشور بود.

طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته، با نهای شدن تصمیم‌های اتخاذ شده در این کارگروه، فرآیندهای سرمایه‌گذاری در حوزه شیلات مناطق آزاد به‌ویژه منطقه آزاد قشم به عنوان نخستین جزیره شیلاتی کشور، تسهیل و تسریع خواهد شد.

همچنین در نشست‌های پیشین این کارگروه تخصصی، موضوع حاکمیت مناطق آزاد و اعمال ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور در تعامل با ضوابط و دستورالعمل‌های ملی مورد بررسی

در نشست مسئولین سازمان منطقه آزاد قشم با رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان صورت گرفت:

بررسی راهکارهای ارتقای وضعیت حوزه بهداشتی و درمانی در جزیره قشم

با دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، می‌توان به دورترین نقاط جزیره خدمت‌رسانی کرد.

همچنین، رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در این جلسه گفت: منطقه آزاد قشم به‌واسطه قوانین موقعیت مناسبی که در تردد اتباع خارجی دارد، محل مناسبی برای جذب دانشجویان خارجی می‌باشد و به دنبال جذب دانشجوی خارجی در این منطقه هستیم.

دکتر غلامعلی جاودان خاطرنشان کرد: هر اقدامی که در توان دانشگاه باشد، برای ارتقای وضعیت درمانی و بهداشتی جزیره قشم انجام خواهیم داد.

دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بخشی از این کاستی‌ها را برطرف سازیم.

در بخش دیگری از این نشست، مشاور مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم در حوزه سلامت و رئیس مرکز درمانی خلیج‌فارس اظهار داشت: هدف ما، خدمت به مردم جزیره قشم می‌باشد و با افزایش حضور متخصصین در مرکز درمانی خلیج‌فارس تلاش می‌کنیم تا دسترسی روستائینان غرب جزیره به خدمات پزشکی را تسهیل نماییم.

دکتر حسین شمس تاکید کرد: درصورت شکل‌گیری تعامل و همکاری

در نشست مشترک نشست مدیران حوزه سلامت سازمان منطقه آزاد قشم با رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، راهکارهای ارتقای وضعیت حوزه بهداشتی و درمانی در جزیره قشم بررسی شد.

مدیر امور فرهنگی، ورزش و سلامت سازمان منطقه آزاد قشم در این نشست بیان داشت: نگاه سازمان منطقه آزاد قشم در حوزه بهداشت و درمان جزیره، تعاملی است و به‌دنبال حل مشکلات این بخش به‌ویژه مشکلات مرکز درمانی خلیج‌فارس هستیم.

مجتبی سلیمی ادامه داد: در حوزه بهداشت و درمان جزیره کاستی‌های فراوانی وجود دارد و در تلاش هستیم با هم‌افزایی و استفاده از توان



با هدف توسعه امکانات رفاهی در روستاهای جزیره صورت گرفت:

تامین روشنایی ورزشگاه گورزین قشم با بیش از ۲,۵میلیارد ریال اعتبار

شامل پایه روشنایی ۱۲متری و ۱۶پروژکتور است که به تسهیل استفاده از این فضا در اوقات شامگاهی کمک می‌کند.

مدیر امور شهری و روستایی سازمان منطقه آزاد قشم در پایان خاطرنشان کرد: همکاری و تعامل میان دستگاه‌های اجرایی به‌ویژه در مناطق روستایی قشم، به پیشرفت و ارتقا سطح خدمات به جامعه محلی کمک می‌کند.

دست اجرا می‌باشد که ۲میلیارد و ۵۲۰میلیون ریال آن از سوی سازمان منطقه آزاد قشم و مابقی از محل اعتبارات دهیاری تامین می‌شود.

وی این اقدام را در راستای ارائه خدمات متوازن در جزیره با تاکید مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم دانست و افزود: عملیات روشنایی زمین چمن ورزشگاه روستای گورزین به مساحت ۱۵۶۰مترمربع

مدیر امور شهری و روستایی سازمان منطقه آزاد قشم از اجرای عملیات روشنایی زمین چمن ورزشگاه روستای گورزین با ۲,۵میلیارد ریال اعتبار با هدف کمک به توسعه امکانات رفاهی در روستاهای جزیره خبر داد.

شریف شریفی‌نژاد با اعلام این خبر اظهار داشت: این پروژه در قالب تفاهم‌نامه مشارکتی با اعتبار کل ۳,۶میلیارد ریال در

